

« بین النهرین »

راهنمای جامع اسطوره شناسی بین النهرین

شامل اساطیر، هنر، مذهب و فرهنگ

Mesopotamia

A comprehensive Guide to Mesopotamian Mythology

Including Myths, Art, Religion and Culture

Historical Figures Publishing

2019

مترجم:

سید علی ضرغامی

۲۰۲۰

تابستان ۱۳۹۹

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه.....	۱
پیشگفتار.....	۷
بخش اول.....	۸
فصل اول.....	۸
ریشه یابی تاریخی.....	۸
فصل دوم.....	۹
جغرافیای بین النهرین.....	۹
آبیاری.....	۱۰
شرایط اقلیمی و آب و هوایی.....	۱۱
فصل سوم.....	۱۲
تاریخ.....	۱۲
زندگی روزمره در بین النهرین.....	۱۳
زندگی روزانه در شهر.....	۱۵
فصل چهارم: فرهنگ.....	۱۶
جشن ها.....	۱۶
اعیاد بین النهرین و فصول سال.....	۱۶
تقویم در بین النهرین.....	۱۷
مقیاس اندازه گیری زمان ، ساعت و دقیقه در بین النهرین.....	۱۸
سرودخوانی و مرثیه خوانی در جشنواره های بین النهرین.....	۱۹
جشنواره اکتو در شهر اور.....	۲۱
شرح جشنواره اکتو در شهر اور.....	۲۲

۲۳	مدرسه، آموزش و پرورش.....
۲۴	موسیقی.....
۲۴	بازی.....
۲۶	فصل پنجم.....
۲۶	اقتصاد و کشاورزی.....
۲۶	صنعت گران و کارگران صنایع دستی.....
۲۸	بازرگانان و تاجران.....
۲۸	توسعه تجارت بین النهرین.....
۲۹	مراکز تجاری بین النهرین.....
۲۹	دین و فلسفه.....
۳۰	حکومت.....
۳۱	مالیات ها و سیستم رفاهی در بین النهرین.....
۳۱	رهبران بین النهرین و حکومت دولت- شهرها.....
۳۲	پادشاه، قدرت و قانون.....
۳۳	طبقات اجتماعی بالا.....
۳۴	مردم عادی.....
۳۶	بخش سوم.....
۳۶	فصل هفتم.....
۳۶	هنر و معماری.....
۳۸	فصل هشتم.....
۳۸	نتیجه گیری.....

سرزمین بین النهرین، بخشی از آسیای جنوب غربی در حوضه رودخانه های دجله و فرات است که بخاطر برخورداری از شرایط آب و هوایی و جغرافیای خاص، میزبان نخستین تمدن های بشری بوده است. تاریخ بین النهرین با ابداعات و اختراعات بسیار مهمی که جهان را متحول نمود همراه بوده است. از آن جمله می توان به مفهوم زمان، علم ریاضی، چرخ، کشتی های بادبانی، تصویرنگاری و خط اشاره نمود. بین النهرین همچنین بعنوان سرزمینی شناخته می شود که در آن شاهد جابجایی قدرت بین فرمانروایانی از شهرها و نواحی مختلف هستیم که بمدت هزاران سال بر این سرزمین حکمرانی کرده اند.

بین النهرین کجاست؟

بین النهرین در ناحیه ای واقع شده که امروزه بعنوان خاور نزدیک شناخته می شود و شامل بخش هایی از جنوب غربی آسیا و کرانه های شرقی مدیترانه است. کلمه « بین النهرین – mesopotamia » از دو لغت باستانی مشتق شده است. « meso » به معنی « بین » و « potamia » که به معنی رودخانه است. این سرزمین از نظر جغرافیایی در دشت های حاصلخیز بین رودخانه های دجله و فرات واقع شده است یعنی جایی که امروزه شامل کشورهای عراق، کویت، ترکیه و سوریه می باشد.

تمدن بین النهرین

بشر در دوران پارینه سنگی « paleolithic » ابتدا در بین النهرین ساکن شد. در حدود ۱۴۰۰۰ سال پیش از میلاد، انسانهای ساکن در این منطقه در سکونت گاه های کوچک با خانه هایی دایره ای شکل زندگی میکردند. حدود پنج هزار سال بعد، این سکونت گاه ها بتدریج جوامع روستایی و کشاورز را بوجود آوردند و بدنبال آن، شاهد اهلی کردن حیوانات و توسعه کشاورزی در نتیجه ابداع تکنیک های خاص آبیاری هستیم که خود از مزایای همجواری با رودخانه های دجله و فرات بوده است. پیشرفت کشاورزی در بین النهرین تحت تأثیر فرهنگ عبید (Ubaid) و فرهنگ حلف (Halaf) صورت گرفت که پیش از آن در بین النهرین وجود داشتند.

بین النهرین باستان

این جوامع پراکنده کشاورز، ابتدا در بخش های شمالی بین النهرین باستان شروع به شکل گیری نموده و سپس بتدریج به سمت جنوب توسعه پیدا کردند و طی هزاران سال شهرهای متمدنی توسط سومری ها بوجود آمد که از آن میان، شهر اوروک اولین شهری بود که قدمت آن به حدود ۳۲۰۰ ق.م میرسد. شهری از آجرهای گلی با نمایی از ستون های غول پیکر و معابد هنری زیبا با جمعیتی بالغ بر پنجاه هزار نفر که با ثروت بدست آمده از فعالیت های تجاری و همچنین ثروتی که در نتیجه فتوحات بدست می آمد بنا شد. سومری ها همچنین مخترع اولین خط نوشتاری، خط میخی میباشند که برای ثبت و نگهداری اسناد اداری خود از آن استفاده می کردند.

سه هزار سال پیش از میلاد، بین النهرین تحت سلطهٔ سومری ها بود. مملکت سومر در واقع مجموعه ای از چند شهر پراکنده شامل اریدو، اور، اوروک، نیپور، لاگاش و کیش بود.

نام اولین پادشاه سومر، اتانا (Etana) از شهر کیش ثبت شده است. با وجود اینکه نام او و بسیاری دیگر که در لیست پادشاهان سومری مربوط به ۲۱۰۰ ق.م ذکر شده، در افسانه های سومری نیز آمده اما بطور قطع معلوم نیست که چنین شخصی واقعاً وجود تاریخی داشته باشد. بعد از اتانا قدرت به (Meskiaggasher) پادشاه اوروک رسید. سپس در حدود ۲۷۵۰ ق.م یک جنگجوی مبارز بنام لوگال باندا (Lugalbanda) قدرت را بدست گرفت و این منطقه را تحت کنترل خود درآورد.

گیلگمش

چنین گفته می شود که گیلگمش قهرمان افسانه ای اثر حماسی گیلگمش، فرزند لوگال باندا بوده است. اعتقاد بر این است که گیلگمش در شهر اوروک و در حدود ۲۷۰۰ ق.م بدنیا آمده است. حماسهٔ گیلگمش یکی از محبوب ترین داستان ها در بین النهرین بوده است. بر اساس این داستان، گیلگمش پادشاه جوان، خوش چهره و ورزشکار شهر اوروک است. مادر او ایزدبانویی بنام نینسون (Ninsun) و پدر او پادشاهی بنام لوگال باندا بوده که این امر گیلگمش را به یک موجود نیمه الهی تبدیل ساخته است. در این اثر حماسی هرچند گیلگمش بسیار ماجراجوست، اما در عین حال بسیار ظالم میباشد. او همهٔ مردان جوان را به مبارزه میطلبد. همچنین اعلام می کند که این حق را دارد که با همهٔ نوعروس ها همبستر شود. رفتار گیلگمش چنان نارضایتی مردم اوروک را بر می انگیزد که نزد خدای بزرگ آسمان، آنو فریاد دادخواهی برآورده و طلب کمک میکنند. خدایان نیز مرد بیابان گردی را بنام انکیدو (Enkido) برای مبارزه با گیلگمش میفرستند. انکیدو که ابتدا در بیابان با حیوانات زندگی میکرد توسط راهبه ای بنام شمشات بتدریج با زندگی شهری آشنا میشود و حتی می آموزد چگونه مثل انسانهای شهری غذا بخورد. سپس انکیدو به سمت شهر اوروک به راه افتاده و گیلگمش را ملاقات میکند و با او به مبارزه می پردازد. در این مبارزه گیلگمش پیروز میشود و بین آنها دوستی شکل می گیرد. بخش اول این اثر حماسی به ماجراهای گیلگمش و انکیدو می پردازد. آنها بر دیوی بنام هومبالا غلبه کرده و او را میکشند. هومبالا دیوی بود که خدایان او را بر جنگل سدر گماشته بودند. از طرفی دیگر گیلگمش درخواست الهه ایشتار را که مایل به معاشقه با وی بود رد میکند و ایشتار نیز برای انتقام جویی، از خدای انلیل درخواست میکند گاو آسمانی را برای حمله به گیلگمش بفرستد. انکیدو و گیلگمش گاو آسمانی را هم میکشند. این کار آنها همهٔ خدایان را عصبانی میکند و تصمیم میگیرند با مرگ انکیدو، گیلگمش را تنبیه و مجازات کنند. بخش دوم این اثر شامل تلاش هایی است که گیلگمش بعد از مرگ انکیدو برای یافتن راز جاودانگی در پیش میگیرد. او به جستجوی شخصی میرود که تنها انسانی است که از طوفان بزرگ جان سالم بدر برده و به جاودانگی رسیده است (Utanpishtim). این موضوع بسیار شبیه نمونه طوفان نوح در تورات میباشد. گیلگمش در نهایت او را پیدا میکند اما او به گیلگمش میگوید باید مرگ را بعنوان تقدیر ناگزیر انسان بپذیرد. سپس گیلگمش به شهر اوروک بازگشته و تبدیل به پادشاه خوبی میشود که بر اساس لیست پادشاهان سومری ۱۲۶ سال حکومت میکند. گیلگمش تنها یک قهرمان اسطوره ای نبود بلکه نام او بعنوان یک پادشاه تاریخی

در الواح و کتیبه های یافت شده توسط باستان شناسان، ثبت شده است. اما به هر حال او از یک پادشاه فانی که در متون از او یاد شده به یک قهرمان اسطوره ای نیمه الهی در بزرگترین منظومه داستانی بین النهرین تبدیل شده است. اثر حماسی گیلگمش اطلاعات مهمی را در اختیار ما قرار میدهد که بتوانیم درک صحیح تری از اوضاع بین النهرین و پادشاهان آن داشته باشیم. اطلاعاتی درباره دوستی ها و دشمنی ها، رفتار و منش پادشاه، مرگ و جاودانگی، روابط زن و مرد، زندگی شهری در مقابل زندگی بیابانی، تمدن در مقابل زندگی وحشی و همچنین روابط انسان ها با خدایان که در اشعار آن طنین انداز است. میتوان دید که بسیاری از چالش هایی که گیلگمش با آنها روبرو بوده و در غالب شعر در این اثر بیان شده، چگونه به او کمک کرد تا بتدریج رشد کرده و از یک قهرمان تبدیل به یک پادشاه خوب برای مردمش گردد. اثر حماسی گیلگمش را میتوان بعنوان قدیمی ترین اثر ادبی به حساب آورد که الهام بخش بسیاری از داستان های کتاب مقدس نیز بوده است.

آخرین پادشاه سومر (Lugalzagesi) نام داشت که توسط سارگون، پادشاه آکدیان که مردمانی سامی نژاد بودند در ۲۳۳۴ ق.م سقوط کرد. این مردمان قبایل متمدنی بودند که شهر کیش را تصرف نمودند و در نهایت سربازان مزدور ارتش آکدی که در خدمت پادشاه سومر بودند به او پشت کرده و وفاداری خود را به پادشاه آکدی نشان دادند.

سارگون و آکدی ها

امپراتوری آکدی ها تحت رهبری سارگون کبیر در فاصله زمانی ۲۱۵۴-۲۲۳۴ ق.م بعنوان اولین امپراتوری در تاریخ جهان شناخته میشود که توانسته بود مردمانی از فرهنگ های مختلف را تحت لوای یک حکومت مرکزی درآورد. در مورد پیشینه سارگون اطلاعات کمی موجود است اما افسانه ها ماجرای تولد او را شبیه ماجرای تولد موسی در تورات بیان میکنند. سارگون زمانی یکی از مأمورانی بود که در خدمت پادشاه کیش بود. وقتی نیروهای شهر اوروک به شهر کیش هجوم بردند، سارگون شهر کیش را تصرف نمود و بر آن شد که فتوحات خود را گسترش دهد. بنابراین قوای نظامی خود را تقویت نموده و از این طریق امپراتوری خود را توسعه بخشید. ابتدا تمامی سرزمین سومر را تسخیر نمود و بعد به سمت ناحیه ای رفت که امروز سوریه نامیده میشود. در زمان سارگون، تجارت در مرزهای بین النهرین رشد کرد و هنر معماری نیز به پیشرفت هایی رسید و بویژه زیگورات ها، ساختمان هایی با سقف مسطح، ساختمان های هرمی شکل و پلکانی در این دوره پیشرفت چشمگیری یافتند.

گوتی ها

آخرین پادشاه آکدی ها (SHar-kali-shari) در سال ۲۱۹۳ ق.م درگذشت و بین النهرین وارد قرن ناآرامی شد که قبایل مختلف برای بدست آوردن قدرت در بین النهرین به جان هم افتادند. از میان این قبایل، گوتی ها بربرهایی بودند که از رشته کوههای زاگرس آمده بودند. دوران فرمانروایی آنان با بی نظمی ها و اختلالاتی همراه بود که چشم اندازی از رکود اقتصادی را در بین النهرین رقم زد.

اورنامو

در سال ۲۱۰۰ ق.م در شهر اور جنبش هایی برای ایجاد یک حکومت جدید شکل گرفت. بعد از اینکه اتوهنگال (Utu-hengal) فرمانروای شهر اوروک، گوتی ها را شکست داد، اورنامو پادشاه شهر اور توانست سومری ها را دوباره تحت کنترل خود درآورد. در زمان فرمانروایی اورنامو اولین قانون مدون تاریخ به ثبت رسید. اورنامو توسط ایلامی ها و اموری ها مورد هجوم قرار گرفت و در سال ۲۰۰۴ ق.م سقوط کرد.

بابلی ها

پس از اینکه اموری ها کنترل اوضاع را بدست گرفتند، شهر بابل را تأسیس نمودند و آن را بعنوان پایتخت خود قرار دادند. پادشاهان آنان از خدایان محسوب میشدند. مشهورترین آنها حمورابی بود که بین سالهای ۱۷۵۰-۱۷۹۲ ق.م فرمانروایی کرد. حمورابی تلاش کرد امپراتوری خود را توسعه دهد و به همین دلیل مردم بابل در این دوره بیشتر درگیر جنگ و ناآرامی بودند. مهمترین اقدام حمورابی قانون نامه او بود که در سال ۱۷۷۲ ق.م تدوین گردید. نوآوری حمورابی این نبود که فقط قوانینی را بنویسد تا همگان ببینند بلکه او سعی میکرد از این امر اطمینان حاصل کند که همه در سراسر امپراتوری از این قوانین پیروی کنند و حاکمان منصوب او در ایالات مختلف، قوانین خودشان را اجرا نکنند. یکی دیگر از ویژگی های قوانین او این بود که در آن مجازات هایی هم تعیین شده بود تا هر شهروندی بداند که همه در برابر قانون و عدالت دارای حقوق یکسان هستند. در سال ۱۷۵۰ ق.م ایلامی ها شهر اور را تصرف نمودند و به اتفاق اموری ها کنترل اوضاع را بدست گرفتند که این را میتوان نشانه ای از پایان کار سومری ها دانست.

هیتی ها

هیتی ها که در حوالی آناتولی و سوریه تجمع داشتند بابلی ها را شکست داده و در حدود ۱۵۹۵ ق.م قدرت را در بین النهرین بدست گرفتند. یکی از اقدامات برجسته هیتی ها دستیابی به صنعت ذوب آهن بود که به آنها کمک کرد تا در تهیه و ساخت سلاح پیشرفت کنند و بتوانند امپراتوری خود را تا دوردست ها گسترش دهند. تلاش آنها برای اینکه این تکنولوژی را تنها در انحصار خود نگه دارند سرانجام با شکست مواجه شد و قدرت های دیگر به رقابت با آنان پرداختند. هیتی ها بعد از خروج از بابل عقب نشینی کردند و کاسی ها کنترل شهر را بدست گرفتند. به لطف ورود این قبایل از کوهستان های شرقی بین النهرین، در دوره فرمانروایی آنان شاهد ورود مهاجرینی از هند و اروپا به این سرزمین هستیم که خود باعث رونق استفاده از اسب، ارابه و چرخ دستی گردید. کاسی ها بعد از گذشت چند نسل، فرهنگ خود را رها کردند و به خود اجازه دادند در فرهنگ بابلی جذب شده و با آن درآمیزند.

آشوری ها

امپراتوری آشور تحت رهبری "آشور اوبالیت" اول در حدود سال ۱۳۶۵ ق.م در ناحیه ای بین سرزمین های تحت سلطه هیتی ها و کاسی ها سر برآورد. در حدود سال ۱۱۲۰ ق.م پادشاه (Tukulti-Ninurta) با رویای فرمانروایی بر تمامی سرزمین بین النهرین، بابل را تصرف نمود. امپراتوری آشور در طی دو قرن به گسترش قلمروی خود ادامه

داد و تا سوریه و مرزهای فلسطین امروزی رسید. در زمان فرمانروایی آشوربانیپال دوم در ۸۸۴ ق.م امپراتوری، یک پایتخت جدید انتخاب نمود. شهر نمرود که از غنائم جنگی و ثروتی که در نتیجه لشکرکشی های بیرحمانه اوبدست آمده بود ساخته شد. بیرحمی هایی که از آشوربانیپال دوم چهره منفوری ساخت. پسر او شلمنسر، اغلب دوران فرمانروایی خود را صرف مبارزه با سه کشور متحد سوریه، مصر و بابل و تصرف اسرائیل نمود. یکی از فرزندان او شورش کرد و شلمنسر فرزند دیگر خود، شمشي اداد را برای سرکوب او فرستاد. سه سال بعد، شمشي اداد فرمانروا شد.

سارگون دوم

با قدرت گرفتن سارگون دوم در ۷۲۲ ق.م یک سلسله جدید آغاز شد. سارگون دوم با الگو گرفتن از سارگون کبیر، امپراتوری را به استان های مختلفی تقسیم نمود و صلح و آرامش را برقرار کرد. با شروع حملات کلدانیان، بتدریج سارگون رو به ضعف نهاد و معاهده صلحی با آنان امضاء نمود. کلدانیان نیز جداگانه معاهده صلحی با ایلامی ها بستند و بابل را تصرف نمودند. سارگون دوم در برابر کلدانیان شکست خورد اما دست به حملاتی به سوریه، بخشی از مصر و غزه زد و فتوحاتی هم داشت اما در نهایت در نبرد با کیمری ها که از روسیه آمده بودند شکست خورد. نوه سارگون دوم، آسارهادون از ۶۸۱ ق.م تا ۶۶۹ ق.م فرمانروایی کرد و دست به لشکرکشی های بیرحمانه ای زد. به اتیوپی، فلسطین و مصر هجوم برد و پس از غارت کردن شهرها با بیرحمی تمام آنها را ویران نمود. آسارهادون برای اداره امپراتوری وسیع خود دست به هر تلاشی زد. این پادشاه بدبین، به بسیاری از اعضای دربار خود گمان توطئه برد و همه را به قتل رساند. فرزند او آشوربانیپال که بنظر میرسد آخرین پادشاه بزرگ آشور باشد از ۶۶۹ ق.م تا ۶۲۷ ق.م حکمرانی نمود. او با شورش هایی در مصر روبرو شد و بخشی از قلمروی خود را از دست داد و از برادرش که فرمانروای بابل بود شکست خورد. نام آشوربانیپال را بخاطر ایجاد بزرگترین کتابخانه بین النهرین بخوبی میتوان به خاطر سپرد.

نبوکد نصر

در سال ۶۲۶ ق.م تخت پادشاهی، توسط یکی از مقامات دولتی بنام نبوپلر اشغال شد. او فرمانروایی این سلسله سامی نژاد را از کلداه آغاز نمود. در سال ۶۱۶ ق.م تلاش کرد آشور را به تصرف خود درآورد اما با شکست مواجه شد. پسرش نبوکدنصر، زمانی به تخت شاهی در بابل تکیه زد که پادشاه ماد، کیاکسار، آشوریان را مغلوب خود ساخته بود (۶۱۴ ق.م). شهرت نبوکدنصر بیشتر بخاطر نوع معماری زینتی، بخصوص باغ های معلق بابل، دیوارهای بابل و دروازه ایشتار میباشد. در زمان فرمانروایی او مرد و زن از حقوق برابر برخوردار بودند. نبوکدنصر همچنین در سال ۵۸۶ ق.م به اورشلیم حمله کرد، آنجا را ویران ساخت و ساکنین آن را به اسارت به بابل برد و بخاطر همین اقدام در کتاب مقدس از او یاد شده است.

کوروش دوم در زمان پادشاهی نبونید در بابل (۵۳۹ ق.م) به قدرت رسید. نبونید ، شاه بابل، آن اندازه نزد مردم محبوب نبود که در زمان حملهٔ پارسیان به بابل ، مردم بین النهرین برای دفاع به کمک او بشتابند. بنظر میرسد که فرهنگ و تمدن بابل در دوران حکومت پارسیان رو به افول نهاد و استفاده از خط میخی بابلی و سایر نشانه های فرهنگ بابلی کمرنگ شد به گونه ای که وقتی اسکندر کبیر امپراتوری پارس را تصرف نمود (۳۳۱ ق.م) بیشتر شهرهای بزرگ بین النهرین دیگر وجود نداشتند و فرهنگ آنها از مدتها قبل از میان رفته بود. در نهایت این سرزمین در سال ۱۱۶ میلادی تحت کنترل رومی ها درآمد و بعد ها در ۶۵۱ میلادی به تصرف اعراب مسلمان درآمد.

این کتاب بر قدرت های محلی بابل در بین النهرین باستان متمرکز است که یا در اختیار رؤسای شهر، بزرگان و یا جماعت های خاصی بوده است. در واقع یک چشم انداز نو به تاریخ بابل که در درک بهتر نهادهای قدرت، فعالیت ها و حوزه نفوذ این نهادها، چگونگی تعامل آنها با مقامات دولتی و سیاست های حکومت مرکزی ما را یاری میکند. تأمل بیشتر و دقیق تر بر روی این قدرت های محلی، طرز نگرش ما را نسبت به اوضاع سیاسی این منطقه تغییر می دهد. چنانکه می بینیم به جای اینکه تصمیم گیری در مورد مردم، آب، زمین و سایر منابع موجود توسط یک قدرت مطلق و بطور یکجانبه صورت گیرد، حکومت میبایست با قدرت های محلی که همیشه خود را مجبور به پذیرش تصمیمات حکومت نمی دیدند کنار می آمد. حکومت اغلب نمی توانست در شیوه عملکردهای اقتصادی و اجتماعی بومی که توسط رهبران محلی اداره میشد نفوذ کند و یا دخالتی داشته باشد و این امر را بوضوح در نزاع های قضایی که بر سر تقسیم زمین پیش می آمد می توان دید. با این حال، دولت بطور پنهانی رهبران محلی را در حوزه سلطنتی انتخاب می کرد. روش تحقیق و نتایج این مطالعه که به قدرت های محلی بابل در بین النهرین باستان می پردازد همچنین برای مطالعه سایر دولت ها و چوابع پیچیده باستان مفید خواهد بود

نام بین النهرین « Mesopotamia » از ریشه باستانی دو کلمه یونانی « Meso » به معنی «بین» و «Potamia» به معنی « رودخانه » گرفته شده است. بنابراین بین النهرین به معنی سرزمینی است که بین رودخانه ها قرار گرفته است. در آناباسیس، بین النهرین شرقی برای اشاره به سرزمینی بکار می رفت که در قسمت شرق رودخانه فرات و شمال سوریه واقع بوده است. بعدها عنوان بین النهرین برای همه سرزمینهای بین دو رودخانه دجله و فرات به کار رفت که نه تنها بخش هایی از سوریه بلکه تمام سرزمین عراق و جنوب شرقی ترکیه را هم شامل می شده است. میان بین النهرین شمالی و جنوبی نیز تفاوتی وجود دارد. بین النهرین شمالی که «جزیره» هم گفته می شود شامل سرزمین های بین دجله و فرات است که از سرچشمه های این رودخانه ها تا بغداد ادامه دارد. بین النهرین جنوبی شامل جنوب عراق، کویت و بخش هایی از جنوب غرب ایران می شود. اصطلاح بین النهرین در جامعه دانشگاهی مدرن بیشتر مفهوم زمانی دارد و به سرزمینی گفته میشود که پس از تسخیر مسلمانان، سوریه، جزیره و عراق نامیده شد.

لغت بین النهرین « Mesopotamia » که در اصل یک کلمه یونانی است، برای ناحیه ای بکار می رود که در حوضه دو رودخانه دجله و فرات و شاخه های آنها واقع شده است. منطقه ای که شامل عراق امروزی و بخشی از سوریه می باشد. جنوب بغداد امروزی که دشتهای آبرفتی این دو رودخانه می باشد در هزاره سوم پیش از میلاد سرزمین سومر و آکد نامیده می شد. سومر جنوبی ترین ناحیه بود در حالیکه آکد منطقه ای در حوالی بغداد امروزی بود یعنی جایی که دو رودخانه دجله و فرات در نزدیک ترین فاصله از هم قرار دارند. در هزاره دوم پیش از میلاد این دو ناحیه با هم بعنوان سرزمین بابل شناخته می شده که یک کشور عمدتاً مسطح را تشکیل می داد. قلمروی شمالی آن، یعنی ناحیه بین دجله و زاب بزرگ، سرزمین آشور خوانده می شد که به مرز کوهستانی منتهی میشد و مرکز آن شهر آشور بود. سرزمین های همسایه، منطقه ای که تقریباً شامل بخش آسیایی ترکیه امروزی میباشد، بعنوان آناتولی و کشورهای واقع در ساحل شرقی دریای مدیترانه (سوریه امروزی، لبنان، فلسطین و اسرائیل) که از شرق به صحرای سوریه محدود می شود و از شمال تا بین النهرین امتداد یافته است، سوریه-فلسطین نامیده می شده و ناحیه جنوب غربی ایران امروزی هم که تقریباً معادل سرزمین پارس میباشد، بعنوان ایلام شناخته میشد.

بشر همواره از رودخانه ها بهرمنند میشود. توجه انسان از دوران ماقبل تاریخ به این دو رودخانه جلب شده و از طریق این راههای آبی امکان جابجایی و کشتیرانی در این منطقه را برای خود فراهم ساخته است. این رودخانه ها سالانه طغیان می کنند و بنابراین سواحل حاصلخیزی را بوجود می آورند. دجله و فرات مشخصات متفاوتی دارند. دجله رودخانه ایست خشن که سرعت جریان آب آن زیاد است. این رودخانه به زبان سومری « ediqna » نامیده میشد که به معنی « سریع مثل یک تیر » بود و بخصوص قسمت فوقانی آن بسیار صعب العبور می باشد. این رودخانه بعلت خروشان بودن آن چندان پراکندگی در نواحی اطراف خود ندارد در نتیجه استفاده از آب این رودخانه برای آبیاری با مشکلاتی همراه بوده است. رودخانه فرات یک شاهراه آبی است که کشتیرانی در آن راحت تر بوده است. حاشیه رودخانه در سطح پایین تری قرار دارد که برای آبیاری مناسب می باشد و همچنین این رودخانه دارای سیلاب های کمتری است. مقدار بارش در کوهستان های شمالی زیاد می باشد که کشاورزی بصورت دیم را ممکن می سازد. میزان بارندگی در دشت های پست بین النهرین کم بوده و بیشتر در دوره کوتاهی در زمستان، یعنی از دسامبر تا فوریه متمرکز میباشد. در فصل تابستان و پس از یک بهار کوتاه، تابش شدید آفتاب خاک این ناحیه را آنقدر خشک میکند که بدون آبیاری، کشاورزی ناممکن خواهد بود.

در چند صد کیلومتری مسیر پایین دست رودخانه، ده متر از آب رودخانه کاسته میشود در نتیجه با گذشت زمان جریان رودخانه تغییر کرده است. ویرانه های بسیاری از شهرهای مهم باستانی مثل اریدو، اور، نیپور و کیش هم اکنون از رودخانه خیلی فاصله دارند درحالیکه آن زمان در حاشیه رودخانه واقع بودند. ساحل دریا نیز با توجه به افزایش میزان رسوبات در خلیج فارس و بالا آمدن سطح آب دریا تغییر کرده است. دلتای رودخانه هم احتمالاً

بخشی از محدوده خلیج فارس را به خود اختصاص داده است. خط ساحلی بیشتر به طرف جنوب گسترش یافته و تالاب ها و خورهایی که در گذشته در این ناحیه وجود داشتند اینک خشک شده اند. شهر اریدو که جایگاه الهه آب بود (نزد سومریان انکی، نزد آکدی ها آا، یکی از مهمترین خدایان) در منطقه تالابی واقع بود و دارای بندر مهمی بود. تغییر مسیر انشعابات رودخانه در گذشته نتایج مهمی در پی داشته است. کسانی که موفق میشدند کنترل مناطق شمالی دشت های بین النهرین را بدست بیاورند، با ایجاد انشعابات فرعی در رودخانه میتوانستند سیستم آبیاری را در مناطق پایین دست مختل کنند و همین موضوع دلیل بسیاری از جنگها و درگیری های شهرهای اولیه سومر بوده است.

از اواخر ماه مارس تا اوایل ماه می سطح آب در رودخانه فرات به بالاترین مقدار خود میرسد. در مورد رودخانه دجله این اتفاق چند هفته زودتر رخ میدهد که دقیقا این زمانی است که محصولات کشاورزی در مزارع در حال رشد می باشند. طغیان این رودخانه ها فقط زمانی میتواند برای کشاورزی مفید واقع شود که مزارع مجهز به سیستم های سیل بند و کانال کشی باشند. این موضوع در مورد رودخانه نیل برعکس میباشد و بخاطر بارندگی های موسمی تابستان در آفریقای مرکزی، سطح آب این رودخانه در ماههای سپتامبر و اکتبر بالا می آید. بنابراین این رودخانه باعث حاصلخیزی زمین های اطراف در پائیز شده و محصولات کشاورزی نیز میتوانند در اوایل بهار که خطر طغیان رودخانه وجود ندارد رشد کرده و محصول دهند. علاوه بر این رودخانه نیل توسط رودخانه های دیگری نیز تغذیه میشود که جریان آب این رودخانه ها دائمی بوده و املاح نمکی و آهکی محلول در خود را به دریا منتقل می کنند در حالیکه رودخانه فرات مستعد شوری است.

آبیاری

استفاده از سیستم های آبیاری از زمان های بسیار دور مرسوم بوده است که اولین موارد آن به حدود شش هزار سال پیش از میلاد برمیگردد. از طریق سیل بند ها و کانال ها، بارندگی های مناطق شمالی کوهستانی در نواحی پست تر جنوب مورد استفاده قرار میگرفت. این امر مستلزم وجود یک سازماندهی اجتماعی سطح بالا و تلاشی گروهی جهت ساخت، نگهداری، نظارت و رسیدگی به این شبکه آبیاری بوده است. آبیاری زیاد و زهکشی کم و محدود؛ بتدریج باعث شور شدن زمین ها شده و یک بحران زیست محیطی را سبب شد. همراه با تغییر مسیر رودخانه اساس شکل گیری جوامع و شهرهای جدید در طول تاریخ خاورمیانه نیز تحت تأثیر قرار گرفت. دانش ما درباره پیشینه شبکه های آبیاری بین النهرین، بدلیل دشوار بودن تاریخگذاری بسیاری از سازه های آبی، محدود میباشد.

شرایط اقلیمی در دوره چهارم زمین شناسی، پلیستوسن (Pleistocene)

نیروی محرک جریان کلی اتمسفر، گرم شدن مناطق استوایی و تبخیر سطحی دریاها در مناطق گرم زمین است. پلیستوسن، دوره زمین شناسی اقلیم های سرد است (یخچال های طبیعی در کوهستان ها و مناطقی با عرض جغرافیایی زیاد) که مصادف با دوره فرهنگی یعنی پالئولیتیک می باشد. در این دوره جریان اتمسفری و تبخیر آب های مناطق استوایی به کندی صورت می گیرد. بارندگی های موسمی که در حاشیه جنوبی خاورمیانه صورت می گیرد، دوباره به مناطقی با عرض جغرافیای پایین تر بر میگردد و وزش بادهای غربی در عرض میانه رطوبت را با خود جابجا میکند. عصر یخبندان در عرض جغرافیایی خاورمیانه با تبخیر کم و در نتیجه بارش کم همراه بوده است. با تبدیل مقادیر زیادی آب به یخ، سطح آب دریا در حدود ۱۰۰ متر نسبت به سطح کنونی کاهش پیدا کرد. آخرین دوره یخبندان در حدود ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد به پایان رسید و دوره زمین شناسی دیگری شروع شد که هولوسن (Holocene) نامیده میشود. در مدت دوره کوتاهی (در حدود ۱۰۰۰ سال) شرایط اقلیمی جهان هر چند با نوساناتی همراه بود اما تقریباً شبیه شرایط امروز بود. پس از گذشت دوره یخبندان، بازگشت به شرایط دمای عادی زمان زیادی طول نکشید و حتی گرمتر و مرطوب تر از هر زمان دیگری شد. مطلوب ترین دوره گرم و مرطوب (آتلانتیک، از زیرشاخه های دوره هولوسن) در حدود ۵۰۰۰ ق.م بوده است. در این دوره است که دوباره انگلستان بصورت جزیره درآمد و اروپای شمالی در اثر باران های شدید تبدیل به مرداب شد. خطوط ساحلی جدید دوباره نمایان شد. سکونتگاه های ساحلی مربوط به پیش از ۵۰۰۰ ق.م اکنون زیر آب هستند. در خلال دوره آتلانتیک باران های ناشی از بادهای غربی به بیابان های شمال آفریقا و خاورمیانه نفوذ کرد. مناطق استپی به سرزمین های سبز تبدیل شد. دریاچه های بسیاری بخصوص در آفریقا وجود دارند که اکنون دیگر خشک هستند. توزیع باران مشابه امروز بوده و فقط میزان بارش متفاوت بوده است.

بخاطر این شکل از توزیع باران در خاورمیانه، که بارندگی در مناطق بیابانی مرکزی کمتر بود و بیشتر در کوهستان های اطراف بارش های شدید صورت میگرفت، منطقه ای بنام هلال حاصلخیز در خاورمیانه شکل گرفت. میزان کل بارش را بطور غیر مستقیم از رسوب مواد آلی در بسترخلیج فارس که به کمک داده های آزمایش رادیوکربن مشخص میشود میتوان تخمین زد. نسبت ایزوتوپ اکسیژن ۱۸ در بستر دریاچه، شاخصی برای اندازه گیری حجم آب دریاچه است. در پنج هزار سال گذشته روند منظمی در بین النهرین وجود نداشته اما سه دوره خشکسالی شدید خاور میانه را تحت تأثیر قرار داده است. دوره اول ۲۹۰۰-۳۲۰۰ ق.م، دوره دوم ۲۰۰۰-۲۳۵۰ ق.م و دوره سوم حدود ۱۳۰۰ ق.م. اهنجاری هایی که در شرایط اقلیمی یک منطقه در طول تاریخ بوجود می آید برای بشر مهم است اما همیشه در داده های آماری کمتر به آنها توجه میشود. در مناطق خشک، جایی که منابع آبی کمی وجود دارد این ناهنجاری های اقلیمی اهمیت بیشتری دارند و میتواند ساکنان آنجا را وادار به ترک محل سکونتشان کند و قبایل کوچ نشین را نیز به حرکت درآورد.

بین رودخانه ها: ۳۱۰۰-۴۵۰۰ ق.م

از حدود ۴۵۰۰ ق.م ساکنانی درحاشیه مناطق باتلاقی، یعنی جایی که دو رودخانه دجله و فرات به خلیج فارس میرسند، میزیستند. بین النهرین، سرزمین بین این دو رودخانه، یکی از اولین تمدن های جهان را بوجود آورد. تمدن بزرگ دیگر، تمدن مصر بود. هر دوی این تمدن ها کمی پیش از ۳۱۰۰ ق.م شکل گرفتند. برخلاف مصر که جامعه با ثباتی بود که در امتداد صدها مایل از رودخانه نیل شکل گرفته بود، بین النهرین شاهد جنگ های دائمی و ظهور و سقوط امپراتوری ها بوده است و شهرها توسط دیوارهای ضخیم احاطه شده اند.

سومر و گیلگمش: ۲۵۰۰-۳۱۰۰ ق.م

سرزمین سومر در نزدیکی دهانه دجله و فرات قرار داشت، یعنی جایی که اولین شهرهای بین النهرین بوجود آمدند. این شهرهای اولیه در اطراف معابد شکل می گرفتند که بعنوان مراکز فعالیت های تجاری آن ناحیه نیز عمل میکردند. روحانیون معابد سومری بدلیل اینکه نیاز داشتند حساب خزائن معابد را بطور دقیق نگهداری کنند، اولین کسانی بودند که سیستم نوشتاری را رواج دادند. اختراعات مهم دیگری را نیز میتوان به مردمان این منطقه نسبت داد. اولین چرخ های سفالگری شناخته شده که مربوط به این دوره میباشد در بین النهرین یافت شده اند. یک فرمانروای سومری بنام گیلگمش که شخصیتی نیمه تاریخی است، بعنوان قهرمان اولین اثر ادبی جهان، یعنی حماسه گیلگمش شناخته میشود. گیلگمش در اسناد سومری که بعدها ثبت شد بعنوان پادشاه اوروک و بنا کننده دیوار بزرگ این شهر معرفی میشود. گیلگمش ممکن است شخصیتی افسانه ای باشد اما شهر او قطعا از اولین مراکز تمدن بوده است. دیوار مذکور که قدمت آن به ۳۰۰۰ ق.م باز میگردد بطول شش مایل و متعلق به شهر اوروک بوده که اولین لوح های نوشته شده آن باقی مانده است. شهر اوروک خیلی زود مغلوب قدرت همسایه یعنی شهر اور گردید که بعدها، هم بدلیل زیگورات بزرگش و هم بعنوان وطن ابراهیم که در تورات به آن اشاره شده شهرت یافت. کاوش هایی که در قبرستان سلطنتی شهر اور انجام شد، زیبایی خیره کننده اشیا را که در حدود ۲۵۰۰ ق.م برای خانواده های حکام محلی ساخته میشد را نشان میدهد. در حدود ۲۳۰۰ ق.م هر دو شهر اور و اوروک تسلیم فاتح آن سوی سرزمین سومر شدند.

سارگون و آکد: ۲۳۵۰ ق.م

فاتح شهر اور کسی بود که بدون شک میتوان گفت به درستی خود را سارگون می نامید که به معنی پادشاه واقعی بود. او که در اصل، سامی نژاد بود پیش از آنکه پایتخت خود، آکاد را تأسیس نماید، بتدریج شهرهای سومری (ابتدا کیش، سپس شهرهای اوروک و اور) را یکی پس از دیگری تصرف نمود و سپس خود را پادشاه ملل خواند. امپراتوری او نخستین سلسله پادشاهی سامی نژاد در تاریخ بوده است. کارمندان دولتی در دوره پادشاهی او از

خطی برای نوشتن استفاده می کردند که اختراع مهمی در تاریخ بشمار می آید. از آن جمله میتوان به کاتبان اِبلّا (Ebla) اشاره نمود که آرشو آنان اخیراً کشف شده است. آنها خط میخی سومری را در صورت نیاز با زبان سامی تطبیق می دادند. این سیستم نگارش در قرون بعد هم همین انعطاف پذیری را نشان داد.

مکان دقیق شهر آکاد، پایتخت سارگون هنوز ناشناخته است. بقایای آن در ناحیه ای که دجله و فرات در نزدیک ترین فاصله از هم قرار میگیرند، در میان گل و لای مدفون شده است و این همان جایی است که بعداً بابل، تیسفون و بغداد در آنجا بنا شدند. دستاورد سارگون، تأسیس اولین امپراتوری بین النهرین بوده است.

حوزه نفوذ آکادی ها هم از طریق فتوحات مستقیم آنها و هم از طریق راههای تجاری، از سواحل مدیترانه در سوریه تا دهانه خلیج فارس امتداد داشته است. امپراتوری سارگون و چانشینانش، پیش از آنکه با هجوم قبایل شمالی متلاشی گردد، حدود ۱۵۰ سال ادامه یافت.

-بابل، آشور و دیگر شهرها: از ۲۲۰۰ ق.م به بعد

در خلال ۱۵۰۰ سال بعدی، بین النهرین از دوران آشفته ای گذر کرد و ایالت های کوچک برای به قدرت رسیدن و یا برای بقاء به جان یکدیگر می افتادند اما در این میان گاهی نیز در سایه حکومت مرکزی ثبات برقرار میشد. بابل و آشور، مراکزی بودند که بزرگترین امپراتوری های بین النهرین در آنجا بنا شدند. بخش های عظیمی از بین النهرین در برخی دوره ها تحت کنترل قدرت های خارجی بویژه هیتی ها در قرن ۱۷ ق.م درآمد و در نهایت، بین النهرین با تسخیر بابل توسط پارس ها در ۵۳۹ ق.م استقلال خود را از دست داد و بدین ترتیب برای بیش از هزار سال تبدیل به یکی از استان های امپراتوری های بیگانه گردید که از آن میان میتوان به پارس ها، یونانی ها، پارت ها و ساسانیان اشاره نمود.

نخستین فرمانروای هلنی(یونانی)، سلوکوس پایتخت خود را در ساحل غربی دجله در نقطه ای که نزدیک ترین فاصله را با فرات داشت بنا نمود. در سال ۱۲۹ ق.م در منطقه ای در ساحل آن سوی رودخانه، شهر تیسفون توسط پارتیان بنا شد. تیسفون شهری بود که بعدها مورد توجه و علاقه شاهان ساسانی نیز واقع شد و سپس عباسیان در ۷۵۰ میلادی، چند مایل بالاتر از آن شهر بغداد را تأسیس نمودند و بین النهرین دوباره شکوه خود را به عنوان مرکز امپراتوری بازیافت.

زندگی روزمره در بین النهرین

مانند بسیاری از جوامع مبتنی بر کشاورزی، اغلب مردم بین النهرین هم کشاورز بودند و زندگی آنها با ساکنان شهر تفاوت داشت. در حالیکه محصول کشت شده در خاک حاصلخیز نزدیک رودخانه به خوبی رشد میکرد، رشد محصول در مناطق دورتر نیازمند آبیاری بود و این به معنی ساختن سیل بند ها و کانال هایی بود که آب رودخانه را به زمین کشت شده منتقل کنند. کشاورزان بین النهرین در واقع کارگرانی بودند که کار فیزیکی دشواری داشتند.

جاده ها، کانال ها و قنات ها میبایست ساخته میشدند و در ضمن، حفظ و نگهداری میشدند. محصولات کشاورزی باید کاشته میشدند و سپس وجین و برداشت میشدند. از طلوع تا غروب آفتاب، مردها یا در مزرعه کار میکردند و یا از دام ها نگهداری میکردند و زنان درخانه کار میکردند، بچه ها را بزرگ میکردند، سببافی و سفالگری میکردند، لباس می بافتند و آشپزی میکردند.

خانه های بین النهرینی های باستان از آجرهای گلی و با نی ساخته میشد که بستگی به این داشت که در چه مکانی زندگی میکنند. در نزدیکی رودخانه ها و یا مناطق آبگیر، مردم در خانه های ساخته شده از نی زندگی میکردند. در مناطق خشک تر، مردم خانه های خود را با آجرهای گلی پخته شده در آفتاب می ساختند. خانه های ساخته شده از آجرهای گلی، یک و یا دو اتاق با سقف مسطح داشت. پشت بام این خانه ها جایی بود که اعضای خانواده می توانستند از آن نیز برای پختن غذا و یا خوابیدن در شب های گرم استفاده کنند. بعضی از خانه ها دارای حیاط و باغچه ای با درختان میوه بود. خانه ها اعم از آجری یا علفی، به شکل ساده ای با میز و صندلی و قفسه برای لباس و وسایل آشپزخانه تجهیز میشدند. مردم روی حصیری میخوابیدند که بر پشت بام پهن میکردند. کار روزانه خیلی زود شروع میشد. مردم روستایی دو وعده غذا میخوردند، یک وعده صبح زود و یک وعده هم بعد از پایان کار روزانه. وعده غذایی صبح ممکن بود مقداری نان و فرنی و کمی آبجو باشد و غذای شب هم معمولاً مقداری خورشت سبزی بود که با پیاز طعم داده میشد و مقداری ماهی و یا گوشت به همراه نان و آبجو میل میکردند. کارگرانی که در مزارع کشاورزی و یا در پروژه های راهسازی کار میکردند مقداری نان، میوه خشک، آبجو و یا آب بعنوان میان وعده غذایی در طول روز دریافت میکردند. در شرایط آب و هوایی گرم بین النهرین، کارگران لباس های چین داری به شکل دامن می پوشیدند که از پوست یا پشم گوسفند تهیه میشد و اگر توان خرید داشتند لباس پارچه ای می پوشیدند. زنان نیز لباس گشاد و بلند پارچه ای یا پشمی می پوشیدند که با کمربندی دور کمر بسته میشد. لباس زنان رنگ ها و طرح های مختلف داشت. هم مردان و هم زنان بسته به توان خریدشان از جواهرات نیز برای آراستن خود استفاده میکردند.

شام خانوادگی نیز تقریباً به همان شکل بود با این تفاوت که مردم بین النهرین معمولاً هنگام صرف غذا یا بعد از آن از سرگرمی هایی لذت میبردند. یک نفر از اعضای خانواده، داستان تعریف میکرد و یا همگی با هم آواز می خواندند. از آنجایی که بین النهرینی های باستان بشدت مذهبی بودند وخدایان بخش مهمی از زندگی آنان را تشکیل می دادند، پیش از صرف غذا دعا و شکرگزاری می کردند. با وجود اینکه زندگی روستایی سخت تر بود ولی مردم در حاشیه شهرهای بین النهرین باستان زندگی بهتری داشتند. زندگی روزمره آنان حول محور کار میچرخید.. کاری که نه تنها غذای خودشان بلکه غذای ساکنان شهر را هم تأمین میکرد. حاکمان، بخشی از محصول را بعنوان مالیات می گرفتند، با این وجود، خاک حاصلخیز بین النهرین باستان همه این نیازها را مرتفع می ساخت

زندگی روزانه در یک شهر بین النهرین باستان بستگی به وضعیت شغلی شخص داشت. همه فرهنگ ها و جوامع دارای سلسله مراتبی هستند از حاکمان که در بالا و رأس جامعه، تا کارگران که در پایین قرار دارند. زمانی که انسان زندگی در شهرها را آغاز نمود، حدود ۴۰۰۰ سال ق.م، جوامع دارای طبقات مختلف و مشاغل گوناگون بودند. زندگی روزانه در یک شهر بین النهرینی زود آغاز میشد. زنان باید زودتر از بقیه اعضای خانواده بیدار میشدند و صبحانه را آماده میکردند. در خانه های ثروتمندان، بردگان و خدمتکاران باید زودتر از بقیه بیدار میشدند و به تدارک غذا میپرداختند. معمولاً دو بار در روز غذا میل میشد. صبح، پیش از شروع کار و شب بعد از اتمام کار. خوراکی های اساسی در زندگی بین النهرینی ها نان، آبجو و پیاز بود. صبحانه معمول مقداری نان و فرنی یا سوپ به همراه مقداری آبجو بود. با وجود اینکه در شرایط هوای گرم بین النهرین شیر زود فاسد میشد اما مردم شیر و آب هم مینوشیدند. بعد از صبحانه، کسانی که در خانه یا بیرون خانه کار میکردند، کار خود را آغاز میکردند. اغلب زنانی که در خانه کار میکردند وظیفه شان مراقبت از خانواده بود و اگر چه برخی هم به کارهای بافندگی، سفالگری و پختن نان می پرداختند. برخی از آنان که کارشان را در بیرون از خانه انجام میدادند مقداری نان و آبجو بعنوان میان وعده غذایی با خود میبردند تا در طول روز میل کنند. هر روز شامل آیین های مذهبی هم بود که به منظور شکرگزاری پیش از صرف غذا و دعا و درخواست کمک ازخدایان صورت میگرفت. بین النهرینی ها پیش از شروع یک پروژه ساختمانی برای یکی از خدایان قربانی میکردند و بعد از پایان آن نیز برای خدای دیگری قربانی میکردند. این خدایان با زندگی مردم بین النهرین درآمیخته بودند و مردم هر روز برای این خدایان مراسم مذهبی خاصی انجام میدادند.

معابد، زیگورات ها، کاخ شاهی و خانه های ثروتمندان در مرکز شهر قرار داشتند. افراد فقیرتر در فاصله دورتری از مرکز شهر زندگی می کردند. در سطح شهر درختان میوه و خشکبار دیده میشد و برخی خانه ها دارای باغ بودند. به استثنای مرکز شهر، بقیه شهر، خیابان ها و کوچه های باریک و پیچ در پیچی داشت.

بیشتر خانه های شهر از آجر های گلی ساخته میشد. معابد، کاخ ها و خانه های اشرافی هم از آجر های گلی ساخته میشد اما این آجرها در کوره خشک میشد و کیفیت بالاتری داشت. اغلب خانه ها دو یا سه اتاق داشتند و سقف خانه نیز مسطح بود. در هوای گرم، اعضای خانه روی پشت بام خانه غذا می پختند، بازی می کردند و میخوابیدند. بعد از اتمام روز کاری هر کس برای صرف غذا به خانه اش میرفت. زنان مقداری نان و آبجو و پیاز به همراه خورشتی از سبزیجات، سوپ ماهی و یا گوشت بره کبابی برای شام تدارک می دیدند. غلاتی مثل جو و گندم و سبزیجات و میوه را که با هر وعده غذایی میل میشدند، معمولاً با ادویه های محلی و یا ادویه هایی که از جاهای دیگر می آمد، طعم دار میکردند.

خانواده های فقیر با تاریک شدن هوا میخوابیدند بنابراین هزینه ای هم برای روشنایی از طریق شمع یا چراغهای روغنی نداشتند. خانه های ثروتمندان پنجره هایی برای روشنی داشتند و از چراغ های روغنی هم استفاده میکردند. آنها همچنین منقل هایی داشتند که در مواقع سرما برای روشنایی و گرمایش بکار میبردند.

فصل چهارم: فرهنگ

جشن ها

بین النهرینی ها اعیاد یا جشن های زیادی داشتند که بطور منظم هر ماه با پیدایش ماه نو، ماه کامل، روزهفتم و روز پانزدهم برگزار میشدند و اعیاد خاصی هم برای برخی خدایان وجود داشت. بزرگترین این اعیاد، عید نوروز بود. آداب و مراسم آن شامل تأیید مجدد ازدواج های مذهبی، دعا برای پادشاه، بازخوانی افسانه خلقت، مراسم غسل پادشاه و خانواده سلطنتی و جشن های دیگری که با نوشیدن آبجو همراه بود. نقطه اوج جشن سال نوی بابلی وقتی بود که کاهن اعظم در معبد مردوک، نشان خود را بر میداشت و به صورت پادشاه سیلی میزد. اگر اشک از چشمان او سرازیر میشد به این معنی بود که مردوک از او راضی بوده و سال خوبی در پیش خواهد داشت. سپس پادشاه بابل در مقابل مجسمه مردوک سجده میکرد و دوباره سیلی میخورد تا گناهانش بخشیده شود. در کوچه و خیابان هم جشن بزرگی برپا میشد. جمعیتی که آوازخوانان از سراسر بین النهرین آمده بودند و مجسمه های خدایان را با خود حمل میکردند، آنها را در رود فرات در قایق هایی سوار میکردند و سپس با ارابه هایی به معبد مهمی که در شمال شهر واقع بود منتقل میکردند.

اعیاد بین النهرین و فصول سال

موریس جاسترو میگوید: اعیاد تقدیس خدایان در بین النهرین، متعدد بود و شکل دیگری از پرستش و عبادت را بوجود آورد. همانطور که از مردم کشاورزی همچون بابلی های باستان انتظار می رفت، این اعیاد و جشن ها به فصل های سال هم مرتبط بودند. مهمترین آنها جشن بهار بود (موریس جاسترو، سخنرانی که ده سال پس از انتشار کتابش ایراد کرد: جنبه های عقاید و اعمال مذهبی در بابل و آشور، ۱۹۱۱).

آشوری ها و بابلی ها میبایست جشن هایی مربوط به برداشت محصول هم میداشتند همانطور که مردمان دیگر برای شادی و شکرگزاری از خدایان داشتند، اما هنوز آثاری از این جشن ها و آیین ها کشف نکرده ایم. خوشبختانه ما درباره مراسم جشن نوروز اطلاعاتی داریم که برای شناخت بهتر عقاید مذهبی بین النهرین باستان به ما کمک میکند. خدای خورشید بهاری به شکل یک جنگجوی جوان به تصویر کشیده میشد که سرمای زمستان را مغلوب خود میساخت. الهه باروری، ایشتر با خدای خورشید متحد میشد و این اتحاد باعث حاصلخیزی و سرسبز شدن مراتع و زمین ها میشد اما پس از چند ماه فصل تابستان به پایان میرسید و دوباره باد و باران پیروز میشدند. تغییر فصل ها به منزله مرگ خدای خورشید دانسته میشد که بنا بر روایتی الهه ای که به او عشق می ورزید، او را ترک کرده بود و بنا به روایت دیگر، توسط یک گراز وحشی کشته شده بود. سومریان باستان این خدا را با نام مخفف (Dumu-zi) می نامیدند که نام کامل آن (Dumu-Zi-Ab-Zu) به معنی " فرزند وفادار اعماق " بود که کنایه ای بود از

خورشید که از اقیانوسی طلوع میکرد که اطراف و زیر جهان را در بر گرفته بود. نام این خدا از سومری ها به بابلی های سامی نژاد رسید و بتدریج تحت عنوان (Tammuz) در سراسر بین النهرین و تا مرزهای آن رواج یافت. همراه با نام این خدا، این افسانه هم رواج یافت که خدای خورشید که پر از نشاط و قدرت بوده، مغلوب مرگ شد و محکوم به زندگی در جهان زیرین گشته و در بهار سال بعد از آنجا آزاد شده، نیروی خود را از سر میگیرد. اشعار مذهبی سومری که شیون و زاری را در هنگام از دست دادن این خدا و خوشامدگویی و خوشحالی از بازگشت دوباره او را نشان میدهد، قدمت فرهنگ تموز در بابل را تأیید میکند. البته این موضوع ثابت نمی کند که این افسانه لزوماً منشأ سومری داشته و در واقع به ما نشان میدهد که بین سومری ها و سامی ها مشترک بوده است اما نشان می دهد که گریه و شیون برای تموز که در آن زمان توسط زنان در دروازه شمالی معبد اورشلیم انجام میشد، از قدیمی ترین موارد مشترک فرهنگ سومری- بابلی بوده است. در تقویم قدیم بابل اینگونه نوشته شده که انقلاب سومری ها در ماه ششم سقوط کرد، در حالیکه در تقویم جدیدتر ماه چهارم ذکر شده که به عنوان ماه جشنواره تموز شناخته میشده که بعدها بطور خلاصه ، ماه تموز نامیده شده است. با انقلاب سومر، سال به پایان میرسید و این زمان مناسبی بود برای بزرگداشت خدایی که قدرتش را از دست میداد.

تقویم در بین النهرین

تقویمی که احتمالاً قدیمی ترین تقویم جهان میباشد در کشور عراق کشف شده است. این دفینه که ده هزار سال قدمت دارد دارای دوازده قسمت شیار مانند میباشد. سومریان تقویم های مختلفی داشتند. برخی از آنها از دوازده ماه سی روزه تشکیل میشدند که شامل ۳۶۰ روز در سال میشد که برای اینکه با فصول سال همخوانی داشته باشد هر چند سال یک ماه به آن اضافه میکردند. تقویم دیگری نیز بود که هر سال را بر اساس رویداد مهمی که در آن سال رخ داده بود نامگذاری میکرد. برای مثال سال ۲۴۸۰ ق.م (Dis-Mu-Til-Mari-Ki) نامگذاری شده بود که سال سقوط شهر ماری بوده است.

بابلی ها بخاطر طراحی اولین تقویم ها و همچنین شناختی که از مفهوم و ماهیت زمان ارائه دادند بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند. آنها تقویم مبتنی بر سال ۳۶۰ روزه و تقسیم آن به دوازده ماه سی روزه را که توسط سومری ها طراحی شده بود توسعه دادند و هفته هفت روزه را نیز به آن افزودند که بر اساس گردش دوره ای ماه در ماه قمری تنظیم شده بود. مصریان باستان هم این سیستم تقسیم سال به دوازده ماه را با تقویم خود تطبیق دادند. مصریان ، هندو ها و چینی های باستان همگی تقویم سال ۳۶۵ روزه را بکار میبردند. یکی از ویژگی های مهم تقویم در بین النهرین مشخص بودن فصل بهار و پاییز در آن بود که تعیین کننده آغاز و پایان دوره کشاورزی بود. آغاز بهار و شروع سال نو با مشاهده اولین ماه نو بعد از اعتدال بهاری مشخص میشد که مصادف با اواخر ماه مارس و اوایل آوریل بود. فصل پاییز نیز با مشاهده اولین ماه نو پس از اعتدال پاییزی مشخص میشد. در بین النهرین بخاطر تابستان های گرم و سوزان، فصل پاییز بعنوان فصل مناسب کشت و بهار بعنوان فصل برداشت محصول در

نظر گرفته میشد. (منبع: Mark Cohen's "The Cultic Calendars of the Ancient Near East," (CDL Press, Bethesda, Maryland, 1993)

با وجود اینکه دوازده ماه قمری برابر با یک سال نبود اما بابلی ها همچنان از تقویم قمری استفاده میکردند. در سال ۴۳۲ ق.م یونانی ها تقویمی بر اساس نوزده سال ارائه دادند که هفت سال آن سیزده ماهه و دوازده سال دیگر دوازده ماهه حساب میشد. این تقویم هم بر فصول سال منطبق بود و هم روز ها و ماههای آن با تقویم قمری تطبیق پیدا میکرد اما این تقویم برای استفاده روزمره مردم عادی بسیار پیچیده بود و بنابراین بیشتر مورد استفاده ستاره شناسان قرار میگرفت.

مقیاس اندازه گیری زمان ، ساعت و دقیقه در بین النهرین

بسیاری از کتیبه ها بصورت سال، ماه و روز تاریخ گذاری شده اند. بین النهرینی ها برای اندازه گیری زمان از ساعت های آبی و خورشیدی استفاده میکردند. این تکنولوژی بعدها توسط مصریان ، یونانیان و رومیان پیشرفت نمود. در ادبیات بین النهرین متونی وجود دارد که در آنها به تک تک روزهای ماه و ماههای سال اشاره شده است.

تقسیم ساعت به شصت دقیقه نیز از ابداعات بین النهرینی هاست. طرح اندازه گیری زمان در طول سال مهم تر از اندازه گیری زمان در طول روز بود. مردم میتوانستند با دنبال کردن خورشید در آسمان، زمان را حدس بزنند اما حدس زدن زمان در طول سال هم بسیار مشکل تر بود و هم برای دانستن زمان دقیق کاشت محصول، احتمال بارش باران و یا برف، و زمان برداشت محصول بسیار مهم بود. به همین دلیل بود که تقویم های سالیانه قبل از ساعت و دقیقه و ثانیه ابداع شدند و پیشرفت کردند.

بابلی ها به عنوان کسانی شناخته میشوند که تقسیم ساعت به شصت دقیقه را نیز ابداع نمودند. به نظر میرسد عدد ۶۰ از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار بوده است. برخی از دانشمندان حدس میزنند تقسیم ساعت به ۶۰ دقیقه و هر دقیقه به ۶۰ ثانیه به همین دلیل بوده است. برخی نیز معتقدند که این عدد از حاصل ضرب تعداد سیاراتی که برای آنها قابل مشاهده بود (پنج) با تعداد ماهها (دوازده) بدست آمده است.

شاید بتوانیم لغت اکدی (SHapattu) را به عنوان ریشه روز سبت و هفته هفت روزه به حساب آوریم هرچند که (SHpattu) به معنی روزی است که ماه کامل است و به معنی روز استراحت نمی باشد. با وجود اینکه هفته هفت روزه با تقویم قمری و خورشیدی تناسبی ندارد، مشخص نیست چرا آنان هفته هفت روزه را انتخاب نمودند.

ماهها در بین النهرین و ترتیب زمان بندی در تقویم کشاورزی شهر گیرسو:

۱-نیسان: مارس-آوریل، آخرین آبیاری، شروع برداشت محصول، جاری شدن سیل

۲-آدارو: آوریل - می، برداشت محصول، بازدید از مزارع آب گرفته

۳-سیمانو: می- ژوئن، بریدن، خشک کردن و جمع آوری محصول

۴-دوزو: ژوئن- جولای، انتقال محصول به انبارها، دوران استراحت

۵-آبو: جولای- آگوست، پایان برداشت محصول، استراحت

۶-یلول: آگوست- سپتامبر، شخم زدن، کاشتن، بیکاری

۷-تشریتو: سپتامبر- اکتبر، شخم زدن کاشت زودهنگام، استراحت

۸-آراشامنا: اکتبر- نوامبر، آخرین کاشت، پایان شخم زدن

۹-کیسیلیمو: نوامبر- دسامبر، کاشت دیر هنگام، بیکاری

۱۰-تبتو: دسامبر- ژانویه، پایان کاشت دیر هنگام، داشت یا مراقبت از مزرعه

۱۱-سبتو: ژانویه- فوریه، جوانه زنی، مراقبت از مزرعه

۱۲-آدارو: فوریه- مارس، آبیاری

دستورالعمل های کشاورزان، خدایان و فصول کشاورزی بین النهرین

سومری ها متنی مشتمل بر ۱۱۱ سطر بنام دستورالعمل های کشاورزان تنظیم کرده بودند که شامل شرح وظایف سالیانه یک کشاورز به فرزندش بود. شباهت های زیادی بین کشاورزی سنتی در عراق و مطالب و دستورالعمل های ذکر شده در این متن باستانی وجود دارد. (منبع: "The Cultic Calendars of the Ancient Near East," CDL Press, Bethesda, Maryland, 1993)

مزارع کشت شده، در روزهای گرم بهار و تابستان درو میشد و زمین هایی که در بهار و تابستان در اثر سیل و طغیان رودخانه زیر آب میرفت در پاییز و زمستان شخم زده و کشت میشد. برای زمینهای آیش که نمک و املاح خاک آنها شسته شده بود، اعتدال بهاری شروع فصل جدید را نشان میداد و اعتدال پاییزی نشان زمان برداشت محصول بود اما برای زمین هایی که زیر کشت بودند اعتدال بهاری زمان برداشت را نشان میداد و اعتدال پاییزی نشان دهنده شروع فصل بعد بود.

سرودخوانی و مرثیه خوانی در جشنواره های بین النهرین

با وجود اینکه در اشعار و سرودهایی که در جشنواره ها خوانده میشد اشاره هایی به تموز شده اما در زمان های دیگر چیز زیادی از فرهنگ تموز نمی شنویم. پس این سوال بوجود می آید که آیا فرهنگ تموز بعد از تاریخ مشخصی توسط معابد به رسمیت شناخته شد یا خیر. در واقع دلایلی وجود دارد که نشان میدهد پرستش تموز

بعنوان پرستشی شخصی ادامه پیدا کرد و نه بعنوان عبادت رسمی اما از طرفی هم وقتی یک باور فرهنگی در عقاید دینی و مذهب رایج بین مردم نفوذ کند اهمیت بیشتری پیدا میکند و مراسم و تشریفات هم برای آن در نظر گرفته میشود. برخلاف این سرودهای مرثیه خوانی که بخشی از آیین کفاره را تشکیل میداد، در سرودهای پرستشی تموز اصلاً به مصیبت ها اشاره ای نمیشد و تنها اشعاری با مضمونی که اشاره به تغییر فصل ها داشت خوانده میشد و برای مردمی که عمدتاً کشاورز بودند از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار بود. این سرودها عمدتاً از نام های خدا و جملاتی در ابراز اندوه از رفتن او به جهان زیرین بود یعنی جایی که ارواح زندگی میکردند.

در بخشی از آن اینگونه آمده:

اوه...برای خدایی که در اندوه نشسته است.. دوما می نشیند..اوه...برای خدایی که در اندوه نشسته است...

آما-اوشوم-گال مینشیند..اوه برای خدایی که در اندوه نشسته...

افسوس! قهرمان من ..دوما!

افسوس! فرزند..خدای مشروع..

افسوس! صاحب چشمان (؟) درخشان

افسوس! ناگار...خدای بزرگ..

افسوس! شاهزاده...سرور نیایش!

افسوس! ای خدای عجیب و غریب!

طوفان سهمگین او را به زیر آورده است.. او که راه خود را به سوی زمین گرفته است..

همچون نی شکسته شده است..

قهرمانی که سرزمینش را ترک کرده است...

یک شبان...تموز به اندوه نشسته است...

مادرش ناله میکند...او برایش ناله سر میدهد...

آه و ناله... او برایش ناله سر میدهد...

او برمیخیزد و به تلخی ناله سر میدهد...

او مینشیند...او دست خود را بر قلبش میگذارد...

از شدت ناله میشکند...او به تلخی مینالد..

او در سوگواری میشکند..او به تلخی سوگواری میکند...

در مرثیه دیگری اینگونه آمده:

«او رفته است...او به دامان زمین رفته است. و مردگان بسیاری در زمین هستند. وقتی تموز در زمین پنهان شده است، سرسبزی از بین میرود. گیاهان بیمار میشوند...و زاد و ولد در حیوانات متوقف میشود.. تا کی سرسبزی بهار، خود را عیان نمیکند؟ تا کی گیاهان از روئیدن خودداری میکنند؟»

جشنواره اکتو در شهر اور

جشنواره اکتو یکی از قدیمی ترین جشنواره های ثبت شده در بین النهرین میباشد. اولین اشاره به این جشنواره به اواسط هزاره سوم پیش از میلاد برمیگردد که به معبد یا جشن اکتو در شهر نیپور اشاره میکند. دراسناد سومری مربوط به ۲۱۰۰-۲۳۵۰ ق.م جشنواره اکتو بعنوان مناسبتی که هر شش ماه یکبار در شهرهای اور ، نیپور، آداب، اوروک و احتمالا بیریه برگزار میشده ، شرح داده شده است. این جشنواره در هر شهر در زمان های مختلفی برگزار میشد که شاید به این علت بوده که می خواستند با مراسم مذهبی که برای خدای حامی آن شهر برگزار میکردند همزمان باشد. جشنواره اکتو در شهر اور، نامهایی برای ماههای سال ارئه میداد.

جشنواره اکتو احتمالا ریشه در جشنی داشت که به مناسبت شروع اعتدالین برگزار میشد. محتوای اصلی این جشن ورود خدای ماه ، نانا بود که به نماد ظهور دوباره ماه در آسمان، مجسمه او را از خارج شهر، از ساختمانی بنام معبد اکتو که بصورت موقت در آن ساکن بود، به درون شهر منتقل میکردند. طی انجام آئین این جشن، مجسمه خدای ماه بطور موقت در معبد اکتو اسکان داده میشد و در دوره اقامتش در آنجا پیشکش ها و نذورات تقدیم او میشد. سپس مجسمه او با احترام به شهر بازگردانده میشد و پس از آن ، خدای ماه، بر اجرای مراسم و آدابی که برای مشخص شدن سرنوشت شهر انجام میشد نظارت میکرد. این جشنواره به شهرهای دیگر سومر و بین النهرین هم راه یافت و آنها نیز برای بزرگداشت خدای حامی شهر خود به همین شکل عمل میکردند.

بر اساس لوحه های یافت شده مربوط به دوره ایبی سین (Ibbi-sin) پادشاه اور،جشنواره اکتو در شهر اور حداقل از روز اول تا پنجم ماه نیسانو ادامه پیدا میکرد. متن این کتیبه میگوید این مراسم در سه مکان انجام میشده: (۱) داگ-اور (Dug-ur) که مکان مقدسی در شهر اور و تپه ای بسیار قدیمی بود که معتقد بودند خدایان و تمدن ها از آنجا برخاسته است. (۲) معبد اکیشنوگال (Ekishnugal) که متعلق به نانا خدای شهر اور بود. (۳) معبد اکارزیدا (Ekarzida) که در گاش ، بیرون شهر اور قرار داشت.

قسمت مهم این جشنواره ورود نانا از معبد اکتو به درون شهر اور بود که تقریباً در روز سوم، وقتی که قایق مخصوص برای انتقال او آماده میشد انجام میگرفت. در روزهای سوم و چهارم پیشکش و هدایایی وجود نداشت . علت آن عدم حضور نانا در محل سکونتش بود. در روز چهارم هدیه و پیشکشی بزرگی از طرف معبد اکیشنوگال (Ekishnugal) در جایگاه مقدس داگور (Dug-ur) به او تقدیم میشد که به مناسبت حضور او در شهر اور بود.

این هدایا و پیشکش هایی که در ساعات مختلف روز تقدیم میشد شامل بسته های نی، انجیر، خرما، حیواناتی مثل بز و گوسفند، آبجو، روغن نباتی و حیوانی بود.

جشنواره اکتو در هفتمین ماه سال (تشریتو) که حداقل یازده روز اول ماه به طول می انجامید با اعتدال پاییزی همراه بود که نشان دهنده پیروزی ماه بر خورشید و آغاز طولانی تر شدن شب ها بود و این شروع رمانی بود که کاشت محصولات کشاورزی پس از گذشت تابستان داغ آغاز میشد. این سه مکانی که در این جشنواره مورد استفاده قرار میگرفت همان مکان هایی بود که در جشنواره ماه نیسانو نیز استفاده میشد. پادشاه نیز در حالیکه در جایگاه ویژه قرار میگرفت ، در بعضی از این مراسم و جشن ها شرکت میکرد. در طول جشنواره، پادشاه ضیافتی هم برپا میکرد که مشخص نیست این ضیافت را در چه مکانی ترتیب میداد. کسانی که در ارتباط با معبد اکتو بودند دو صف را تشکیل میدادند. صف اول گروهی بود که به سمت معبد اکتو حرکت میکرد و صف دوم گروهی بود که از آنجا بازمی گشت. نوشته ای باستانی از متون یافت شده اوروک ، صف رونندگان به طرف معبد اکتو را شرح میدهد و به روحانیونی اشاره میکند که آنو را تا معبد اکتو همراهی میکنند (آنو و نانا/ایشتار که خدایان حامی شهر اوروک بودند). نبوکدنصر ثروت و تجملاتی را که صف رونندگان از معبد ازگیلا (معبد مردوک) به معبد اکتو داشت را شرح میدهد و آن را همچون بارگاه خدایان میدانند. مهمترین قسمت این جشنواره در اوروک، بخش بازگشت از معبد اکتو بود که هفت روز بعد از اینکه مجسمه انو در معبد اکتو قرار گرفته بود انجام میشد.

شرح جشنواره اکتو در شهر اور

شرحی از جشنواره اکتو در اور از متنی سومری چنین میگوید: «مردم سومر در قصر، گرد هم می آیند که جایی است که سرزمینشان از آنجا رهبری میشود. پادشاه تختی برای ملکه میسازد و روی تخت، کنار او مینشیند تا از زندگی همه کسانی که در سرزمین او ساکن هستند مراقبت کند. اولین روز ماه ، بدقت بررسی میشود، روزی که با ناپدید شده ماه در آسمان همراه است، روز خوابیدن ماه، آداب تقدیس بطور کامل انجام میشود، سپس روز سال نو، روز انجام مراسم، مشخص میشود و مکانی برای خوابیدن و استراحت کردن نانا آماده میشود.

مردم با روغن سدر که بویی شیرین دارد الیاف نی را تمیز کرده و با آنها تختخوابی درست میکنند و روی تخت تور عروس پهن میکنند که باعث شادی دل میگردد، برای زیر کمر نرم و ملایم است، تور عروس برای نانا و دوموز، ملکه بدن خود را غسل میدهد، نانا بدن مقدس خود را غسل میدهد، او بدن خود را با صابون شستشو میدهد، روغن خوشبوی سدر را روی زمین میپاشد، پادشاه در حالیکه سر خود را رو به پایین نگه داشته به طرف این پیکر های مقدس میرود، دوموز در حالیکه سرش رو به پایین است بطرف پیکر مقدس نانا میرود، کنار او روی تخت دراز میکشد، با لطافت او را نوازش میکند، کلماتی عاشقانه را زمزمه میکند. " اوه ...ای گوهر مقدس من! اینانای شگف انگیز من! بعد ورود او به مکان مقدس، نانا خوشحال میشود. نانا او را پیش خود نگه میدارد و چنین زمزمه میکند: " اوه ..دوموز! تو حقیقتا عشق من هستی... پادشاه از مردم میخواهد وارد سالن بشوند...مردم غذاهایی را که پیشکش

آورده اند با ظرف تقدیم میکنند، صمغ درخت میسوزانند، آیین های شستشو را انجام میدهند و بخور خوشبو میسوزانند. پادشاه، عروس محبوب خود را در آغوش میگیرد. دوموز هم نانا را در آغوش میگیرد. نانا در حالیکه بر تخت سلطنتی نشسته مانند نور میدرخشد و پادشاه نیز همچون خورشید در کنار او می درخشد. شادی و فراوانی را برقرار میسازد. مردم سومر را جمع میکند. نوازندگان برای ملکه مینوازند. آنها با صدای بلند می نوازند که صدای طوفان جنوب به گوش نرسد. آنها ساز آلگار که صدای زیبایی دارد مینوازند، سازهای زهی مینوازند که همه را به وجد می آورد، آنها برای شاد کردن دل نانا آهنگ مینوازند، پادشاه دستش را برای گرفتن غذا و نوشیدنی دراز میکند، دوموز دستش را برای گرفتن نوشیدنی و غذا دراز میکند، کاخ در جشن است و پادشاه خوشحال است، آنها در این مکان مقدس با موسیقی برای نانا جشن میگیرند، او زینت جمع و مایه خوشحالی سومر است. مردم این روز را اینگونه سپری میکنند. پادشاه با شادی جلوتر از جماعت می ایستد و جماعت از او استقبال میکند. راهبه مقدس آفریده آسمان و زمین، اولین دختر ماه، بانوی شب، تورا با سرودها پرستش میکنم.»

مدرسه، آموزش و پرورش

برای همه حکومت هایی که در هلال حاصلخیز در بین النهرین شکل گرفتند آموزش و تحصیل زیربنای زندگی نخبگان بود. اولین مدارس در جنوب بین النهرین توسط سومری ها بوجود آمد. اختراع خط در اواسط هزاره چهارم پیش از میلاد، پادشاهان و کاهنان را بر آن داشت تا به آموزش و پرورش کاتبان بپردازند. در ابتدا خط، ساده و بصورت تصویری بود اما کم کم به خط میخی تبدیل شد که بصورت علائم گوه مانندی روی گل رس نوشته میشد. شکل گوه مانند آن بخاطر این بود که نوک قلمی که با آن نوشته میشد سه گوش بود که معمولا از نی استفاده میکردند. با اختراع خط، سومریان شروع به ثبت همه چیز کردند: اسناد اداری، موجودی کالاها و اجناس، مشاهدات زندگی روزانه، سرودهای مذهبی، شعر، داستان، دستورات و اوامر دربار و اسناد معابد.

آموزش و پرورش در بین النهرین بیشتر بر خواندن و نوشتن متمرکز بود. در هزاره سوم پیش از میلاد نوشتن خط میخی کاملاً به صورت پیچیده ای درآمد بطوریکه دوازده سال طول میکشید تا کسی نوشتن این خط را کاملاً یاد بگیرد. معابد هم مدارس تأسیس نمودند تا پسران را بعنوان کاتب و یا کاهن پرورش دهند. در آغاز، مدارس کاتبان با معابد همسو بود اما بتدریج جدا شدند و خود کاتبان بطور جداگانه مدارس تأسیس نمودند که شهریه داشت. این شهریه به اندازه ای بود که فقط پسر های خانواده های ثروتمند میتوانند از پس آن برآمده و تا هر سطحی که بخواهند از تحصیل برخوردار بشوند. فرزندان اشراف، کارکنان دولتی، روحانیون و تجار ثروتمند هر روز از صبح تا شب در مدارس مشغول تحصیل بودند. بخاطر مشکل بودن یادگیری خط میخی، تعداد کمی از سومریان باسواد بودند هرچند که میتوانند برخی از کلمات رایج را بنویسند و بخوانند. معمولا پسر ها از سن شش یا هفت سالگی به مدرسه میرفتند. یادگیری فن کتابت و مهارت های نوشتاری کار دشواری بود. دختران از تحصیل محروم بودند مگر آنکه دختر پادشاه بودند و یا برای راهبه شدن تربیت میشدند. معلمان، کاتبان قدیمی و روحانیون نظم و مقررات سختی داشتند و کسانی که این مقررات را رعایت نمیکردند معمولا با شلاق خوردن تنبیه میشدند. معلمان، دانش

آموزانی را که به نوبت صحبت نمیکردند، برای حرف زدن اجازه نمیگرفتند، لباس نامناسبی میپوشیدند و یا بدون اجازه بلند میشدند و کلاس را ترک میکردند تنبیه میکردند. آنها از دانش آموزان انتظار داشتند که مطیع و سخت کوش باشند. معلمان به این دانش آموزان خواندن، نوشتن، ریاضی و تاریخ آموزش میدادند. دانش آموزان نیز بسته به آینده شغلی خود ملزم به یادگیری علم اعداد و یا نوشتن و خواندن نبودند اما میبایست با علومی مثل جغرافیا، جانورشناسی، گیاه شناسی، ستاره شناسی، مهندسی، طب و معماری آشنا میشدند. زمانی که مدرسه ای برای فرزندان خانواده های اشراف و ثروتمند رزرو میشد، دانش آموزان مجبور میشدند برای یادگیری فن کتابت و مهارت های نوشتاری به سختی تلاش کنند.

موسیقی

موسیقی نزد سومریان باستان از اهمیت زیادی برخوردار بوده و این را میتوان از بقایای آلات موسیقی که توسط باستان شناسان در آرامگاه های آنان پیدا شده فهمید. آنها یک ساز بادی هم از چوب یا استخوان ساخته بودند که وقتی در آن فوت میکردند صدایی شبیه فلوت میداد. آنها همچنین درام دستی، جغجغه و چنگ نیز مینواختند. موسیقی بیشتر برای خدایان نواخته میشد. بابلی های باستان سنت موسیقی سومریان را ادامه دادند و سازی را هم به آن افزودند که بسیار شبیه پیانو بود. آشوری های باستان چندان علاقه ای به موسیقی نداشتند و فقط در مواقع جنگ از موسیقی استفاده میکردند. آنها بیشتر از طبل و شیپور و هر سازی که صدای بلند و ترسناکی داشت استفاده میکردند.

بازی

مردم بین النهرین باستان به شدت کار میکردند، هر روز به پرستش خدایان خود میپرداختند اما اوقاتی را هم به بازی اختصاص میدادند. سومری ها بازی هایی داشتند که روی صفحات مسطح یا روی میز انجام میشد. این بازی ها که معمولاً از جنس گل رس ساخته میشد دارای قطعاتی بود که در این سطح صاف حرکت داده میشد و یا پرتاب میشد. سومری ها مخترع بازی چکرز بودند (بازی با مهره های تخته نرد روی صفحه شطرنج) برخی بازی ها با تاس انجام میشد. یک بازی نیز داشتند که بازی بیست مربع نامیده میشد که با تاس انجام میشد. بازی دیگری نیز داشتند بنام پنچاه و هشت حفره که در این بازی مهره ها را بر روی سطحی که دارای حفره هایی بود حرکت میدادند. قوانین این بازی ها مشخص نیست اما چیزی که مشخص است این است که آنها این نوع بازی ها را ابداع کردند. این بازی ها هم توسط ثروتمندان و هم فقرا انجام میشد. بازی هایی مثل تیر و کمان، بومرنگ، چوب اندازی، فرفره، جغجغه، طناب زدن، حلقه بازی و توپ بازی از دیگر بازی های آنان بود. بچه ها در خانه با میز، صندلی، وسایل کوچک خانه، عروسک و حیوانات کوچک خانگی بازی میکردند. آنها همچنین وسیله مانند گاری

یا چرخ دستی داشتند که چرخ داشت و میتوانستند آنرا روی زمین بکشند. آنها قایق های کوچکی هم داشتند که میتوانستند در آب شناور کنند.

آنها یک بازی دیگری هم داشتند که امروز هم میتوان آن را بازی کرد. برای این بازی شما میتوانید یک صفحه گرد از گل رس درست کرده و سوراخی در آن ایجاد کنید که بتوانید بعنوان گردنبند از آن استفاده کنید. سپس بگذارید خشک شود و بعد آن را با مقداری بند آویزان کنید ، سپس انتهای بند آن را نگه داشته و بچرخانید. آنقدر تند بچرخانید تا صدای وزوز از صفحه گرد شنیده شود. ترفند این بازی این بود که بتوان باعث ایجاد صدای بلندتری از آن شد. بین النهرینی های باستان اسباب بازی هایی که تولید صدا میکردند را دوست داشتند.

شواهد باستان شناختی نشان می‌دهد که جنگ بین قبایل اولیه این سرزمین معمولاً یا بر سر زمین های حاصلخیز برای کشاورزی و یا بر سر چراگاه برای دام هایشان بوده است. با انتقال از زندگی مبتنی بر شکار به زندگی مبتنی بر کشاورزی، پرورش دام هم افزایش پیدا کرد. در یادداشت های تاریخی مارک وان میروپ اینگونه میخوانیم: انتقال از زندگی بر پایه شکار به زندگی مبتنی بر کشاورزی بطور ناگهانی صورت نگرفت، بلکه یک روند تدریجی داشت که طی آن تکیه بشر بر منابعی که خودش مستقیماً بتواند آنرا مدیریت کند افزایش پیدا کرد اما همچنان شکار حیوانات بخشی از جیره غذایی آنان را تأمین میکرد و کشاورزی در بین ساکنان بعدی این سرزمین توسعه پیدا کرد و همگام با آن معماری نیز در نتیجه ساخت و ساز سکونت گاه های دائمی بتدریج پیشرفت کرد.

صنعت گران و کارگران صنایع دستی

صنعتگران در جامعه بین النهرین باستان، طبقه متوسط جامعه را نمایندگی میکردند. آنها شهروندان آزادی بودند که از حقوق و مزایای کمی برخوردار بودند و کالاهای مورد نیاز طبقات بالای جامعه را تولید میکردند. سفال های ظریف و زیبا، جواهرات نقره و طلا، مجسمه های تراشیده شده از عاج، منسوجات بافته شده و سنگهای قیمتی تراشیده شده اجناسی بودند که در بین النهرین و فراتر از آن خرید و فروش میشدند. تولید این اجناس و کالاهای حاصل کار صنعتگران و کارگران صنایع دستی بود. در حالیکه اشراف و کاهنان بر بین النهرین فرمانروایی میکردند، طبقات بالای جامعه برای خرید و فروش کالا و نیروی کار، به طبقات پایین متکی بودند. با رشد تمدن و توسعه جوامع و افزایش جمعیت، طبقه ای از مردم بوجود آمدند که به کارهای کشاورزی و یا کار در پروژه های ساختمانی احتیاج نداشتند. کارگران صنایع دستی، کالاهایی تولید میکردند که ثروت را به شهرها می آورد.

در میان صنعتگران و تاجران متعلق به طبقه متوسط، تجار محلی اجناس و کالاهای معیشتی مورد نیاز مردم را مانند نمک، مواد غذایی و یا نخ برای تولید پوشاک را بین مردم توزیع میکردند. برخی از تجار، کالاهای تولید شده توسط صنعتگران و کارگران صنایع دستی را که شامل اسلحه، ابزار، لباس های نخی یا پشمی، جواهرات و ظروف را به شهرها و مناطقی که این اجناس فروش میرفت می بردند.

در دوره هایی از تاریخ بین النهرین، کارگران طبقه متوسط تا حدودی قوی و مستقل بودند. در دوره هایی هم طبقات بالای جامعه یکدست بودند و طبقه فقیر و پایین جامعه در شرایط سخت به سر میبردند. از آنجایی که تجارت و خرید و فروش برای شهرهای بین النهرین امری بسیار مهم و حیاتی بشمار میرفت، تاجران افراد مورد احترام جامعه بودند.

کارگران صنایع دستی می‌توانستند در کارگاه شخصی کوچکی که محدود به خانواده خودشان میشد کار کنند. آنها اجناس مفیدی درست میکردند مانند انواع دیگ و قابلمه، جارو، ظروف غذاخوری و منسوجات که برای مصارف روزمره لازم داشتند. آنها همچنین کارهای هنری زیبا هم برای فروش به بازار ویا دربار شاهان، خانواده های اشراف و کاهنان می‌ساختند. بسیاری از صنعتگران فقط در معابد کار میکردند که گاهی هزاران کارگر را برای رنگرزی، بافت و تولید لباس برای اشراف و یا برای مجسمه خدایان در معابدشان، استخدام میکردند. در معابد، کارگاه های صنایع دستی وجود داشت که ابزاری که صنعتگران برای تولید کالایشان نیاز داشتند، مثل کوره سفالگری، چرخ کوزه گری و کوره ذوب فلز برای فلزکاری را در اختیارشان قرار میداد.

دانش صنایع دستی به دقت حفظ میشد و از پدر به پسر میرسید. اغلب این کارگران صنایع دستی تکنیک ها، فرمول ها و دستورالعمل های خاص خودشان را داشتند که از آنها در برابر رقیبان محافظت میکردند. گاهی اوقات یک صنعتگر خوب به شهرت میرسید و کارش مورد توجه اشراف قرار میگرفت و در نتیجه تقاضا برای کارهایش بالا میرفت. عطاران، موسیقی دانان، طلا سازان، کاتبان و شاعران نیز بخش پر طرفدار جامعه هنرمندان را تشکیل میدادند.

اغلب صنعتگران در محله های شهر و در کارگاه های خانوادگی کار میکردند. آنها با تجار و بازرگانان معامله میکردند و مواد خام مورد نیاز خود را از آنها می‌خريدند و کارهای ساخته شده خود را به آنها می‌فروختند. کالاهای این صنعتگران با ثروتی که به شهرها وارد میکرد نقش بسیار مهمی در اقتصاد بین النهرین باستان داشت. هرچند لباس ها و اجناس پشمی با گذشت زمان از بین رفته اند، اما وسایلی که از جنس فلز، گل رس، عاج، استخوان و سنگ های قیمتی به جا مانده، هنر صنعتگران بین النهرین را به خوبی نشان میدهد.

در عصر سفالگری (۷۰۰۰ ق.م) به کار بردن ابزار و ظروف سفالی رواج گسترده ای پیدا کرد و فرهنگ بخصوصی در هلال حاصلخیز ظهور نمود. محققى بنام استفان برتمن مینویسد: " در این دوره تکنولوژی به پیشرفت هایی رسید. او اضافه میکند که در عصر سفالگری، اقتصاد بر پایه تولید مواد غذایی از طریق کشاورزی و دامداری بود." در دوره پارینه سنگی گروههای انسانی یکجانشین نبودند. پیشرفت معماری به دنبال یکجانشینی صورت گرفت و ساخت سازه های سنگی و سرامیکی توسعه یافت.

بازسازی زیگورات شهر اور، عصر مس (۳۲۰۰-۵۹۰۰ ق.م)

این دوره به دلیل گذار از دوران پارینه سنگی که ابزار و سلاح ها از سنگ ساخته میشد به دوره ای که از مس استفاده میکردند به عنوان دوره کالکولیتیک هم شناخته میشود. این دوره، شامل دوره عبید هم میشود (۴۳۰۰-۵۹۰۰ ق.م که بخاطر تل عبید به این نام خوانده شده، مکانی در عراق که آثار هنری زیادی در آنجا یافت شد) که در آن دوره اولین معابد بین النهرین ساخته شد و از قرار گرفتن سکونت گاه های جداگانه در کنار یکدیگر به تدریج روستا ها شکل گرفتند. این روستاها کم کم رشد کردند و بتدریج شهرها در این دوره پدید آمدند، بویژه در منطقه سومر که در آن، شهرهای اریدو، اور، اوروک، کیش، نیپور، لاگاش، نوزی و در ایلام شهر شوش بوجود آمدند. اوروک به عنوان اولین و قدیمیترین شهر شناخته میشود، هرچند اریدو و اور هم بعنوان اولین شهرها به حساب می

آیند. وان میروپ مینویسد: " بین النهرین مترکم ترین منطقه شهرنشین در جهان باستان بوده است." و شهرهایی که در امتداد دو رودخانه دجله و فرات رشد می کردند، سیستم های تجاری و بازرگانی بوجود آوردند که رونق بسیاری به این سرزمین داد.

بازرگانان و تاجران

تجارت بین النهرین در اصل از مکانی که محل تلاقی تمدن ها در سرزمین های حاصلخیز اطراف رودخانه های آن بود شروع به رشد کرد. بدلیل وجود سیستم های آبیاری، جنوب بین النهرین از نظر تولید محصولات کشاورزی بسیار غنی بود. این محصولات شامل انواع میوه ها و سبزی ها، خشکبار، خرما، ماهی و گوشت بود. علاوه بر مواد غذایی ، این سرزمین معدن خاک رس و نی بود که برای ساخت شهرها مورد استفاده قرار میگرفت. برای بقیه اجناس ضروری مثل سنگ معادن فلز و یا الوار های چوب نیاز به واردات داشت.

در کنار تجارت محلی که مواد غذایی و گوشت را به شهرها وارد میکرد و اجناس تولید شده را به بیرون شهر صادر میکرد، تجارت راه دور نیز برای منابعی مثل مس و قلع و یا اجناس لوکس مورد نیاز خانواده های اشراف ضروری بود بنابراین در شهرهای اولیه بین النهرین، بازرگانان و تاجرانی بودند که این کاروان های تجاری را به راه انداختند

توسعه تجارت بین النهرین

با رواج استفاده از چرخ و کشتی رانی، حمل و نقل کالا آسان تر شد و میتوانستند کالاهای سنگین را با گاری های چرخ دار و یا با قایق جابجا کنند. کاروان های تجاری برای مسیرهای طولانی از حیواناتی مثل خر برای حمل کالا استفاده میکردند. این حیوان میتواند حدود ۱۵۰ پوند بار را در کوه و دشت که گاری های چرخ دار نمیتوانستند حرکت کنند حمل کند. صنعتگران در بین النهرین اجناس متنوعی تولید میکردند از منسوجات زیبا گرفته تا ظروف سفالی محکم و بادوام که در کارگاه های معابد ساخته میشد و اجناس چرمی، جواهرات، سبدهای بافته شده، مجسمه های مذهبی و کنده کاری روی عاج. محصولات کشاورزی هم مثل خرما و روغن نیز از اقلام صادراتی بود. شهر های بین النهرین تجارت را در امتداد رودخانه های دجله و فرات تا آناتولی (ترکیه امروزی) به راه انداختند. راه بازرگانی دیگری که به سمت شرق بود از کوههای زاگرس عبور میکرد و به ایران امروزی و افغانستان میرسید. یک راه آبی هم بود که از خلیج فارس تا دره ایندوس امتداد داشت و به شمال هند و پاکستان امروزی منتهی میشد. در هزاره سوم پیش از میلاد، بین النهرین با همه مسیرهای تجاری در ارتباط بود.

مراکز تجاری بین النهرین

با توسعه تجارت در بین النهرین، بازرگانان حتی در مناطق و شهرهای دیگر هم مراکز تجاری تأسیس کردند. در حدود سال ۱۷۰۰ ق.م تجار آشوری مراکز تجاری در قانش آناتولی تأسیس نمودند. این تاجران بیش از هزار مایل راه برای رفتن به این شهر که در ترکیه امروزی واقع بود، می پیمودند. تجار آشوری برای اینکه بتوانند در آنجا مدتی زندگی کنند و با ساکنان آن شهر و همچنین با سایر بازرگانانی که از نقاط دور بین النهرین برای خرید و فروش کالا آمده بودند به معامله پردازند، به حاکم آنجا مالیات میپرداختند. تجار آشوری با کاروانی از اجناس و کالاهایی از قبیل منسوجات، بافتنی ها و فلز روی که توسط حیوانات بارکش از قبیل خر حمل میشد به آنجا میرفتند. آنها منسوجات و فلز روی برای تولید نقره و کالاهای دیگر را خرید و فروش میکردند. این تجار و بازرگانان آشوری از خانواده هایی بودند که در سرتاسر بین النهرین به تجارت میپرداختند. این اطلاعات و جزئیاتی که توسط تجار آشوری ثبت شده، در یک کاوش باستان شناسی از ۲۰۰۰۰ لوحه گلی که در مکانی بنام کول تپه (Kultepe) در ترکیه امروزی یافت شد به دست آمده است. در زمان امپراتوری آشوریان، بین النهرین کالاهایی از جمله خرما، غلات، روغن خوراکی، سبذ، ظروف سفالی، منسوجات، اجناس چرمی و جواهرات را صادر میکرد و از آن سو طلای مصر، عاج و مروارید هندوستان، نقره آناتولی، مس عربی و روی ایرانی را وارد میکرد و این بازرگانی برای بین النهرینی که از نظر این منابع، فقیر بود اهمیت حیاتی داشت.

دین و فلسفه

یکی دیگر از دغدغه های فکری مردمان بین النهرین، پرستش مذهبی بود. یک سفال رنگی مربوط به ۱۷۷۵ ق.م که الهه ایشتار و یا خواهر او ارشکیگال را به همراه موجودات تاریکی به تصویر کشیده، پیچیدگی هنر بابلی را نشان میدهد. نقوش برجسته کاخ های شاهان آشوری بویژه از دوره آشوربانیپال در حدود ۶۳۵ ق.م از جمله این آثار هنری میباشد. یک نقش برجسته مشهور در کاخ او در نمرود، او را در حالی نشان میدهد که ارتش خود را در نبرد رهبری میکند و خدای بالدار آشور نیز او را همراهی میکند. آشور بانیپال همچنین در نقش برجسته های دیگری نیز در حال شکار شیر بارها به تصویر کشیده شده است. همچنین در دروازه ایشتار بابل مربوط به دوره پادشاهی نبوکد نصر دوم (۵۸۵ ق.م)، تصویر خیره کننده ای از یک شیر دیده میشود که با کاشی لعاب دار تزئین شده است.

هنر بین النهرین در قرن بیست و یکم در معرض دید عموم قرار گرفت اما با بروز درگیری ها در عراق که باعث غارت موزه ها گردید، بسیاری از این آثار مفقود شدند که از جمله این آثار میتوان به یک ماسک برنزی متعلق به یک پادشاه اکدی با ۴۳۰۰ سال قدمت، جواهراتی از شهر اور، یک ساز چنگ از جنس طلا، هشتاد هزار لوح گلی و بسیاری آثار بی نظیر دیگر اشاره نمود.

بین النهرینی ها را میتوان نخستین کسانی دانست که یک امپراتوری گسترده و حکومتی متمرکز بوجود آوردند. شهرها که مراکز سیاسی بودند و توسط حکومت های موروثی اداره میشدند، با توسعه فرهنگ بین النهرین در حکومت پادشاهی مرکزی ادغام شدند. کارمندان زیادی برای دولت کار میکردند که از بین آنها کاتبان یکی از بالاترین موقعیت ها را داشتند که دربار شاه و یا دستگاه اداری دولت به ثبت اسناد و رسیدگی به حسابها میپرداختند. معابد نیز خدمات رفاهی ارائه میدادند و از یتیمان و بیوه ها حمایت میکردند. اولین طرح هایی که برای حمایت از فقرا، بیوه ها و یتیمان اجرا میشد در شهر اور پیدا شده است که مربوط به ۲۰۰۰ ق.م می باشد.

بین النهرینی ها امپراتوری گسترده ای داشتند. اواخر هزاره دوم پیش از میلاد به عنوان " اولین عصر بین الملل " نامیده شده است. این همان دوره ای بود که روابط و تعامل بین قدرت های آن زمان در حال رشد بود. آشوری ها امپراتوری ایجاد کرده بودند که بسیاری از حکومت های کوچک را که از گروه های قومی مختلف تشکیل شده بودند را در آغوش خود جای داده بود. در سومر، حکومت بر پایه عقاید مذهبی و در سایه قدرت کاهنان اداره میشد و با سیستم برده داری عجین بود. هر شهری خدای خودش را پرستش میکرد و توسط پادشاهی اداره میشد که بعنوان واسطه بین مردم و خدای محلی عمل میکرد. این حاکمان مردم را در جنگ ها رهبری میکردند و همچنین بر سیستم های پیچیده آبیاری نظارت داشتند. حاکمان ثروتمند آرامگاه هایی برای خود می ساختند و همراه با اشیای با ارزش خود راهی زندگی پس از مرگ میشدند. این حاکمان محلی عموماً توسط شورای شهر انتخاب میشدند.

برخی از محققین سیستم حکومتی بین النهرین را نوعی سوسیالیسم مذهبی میدانند. معابد در رأس حکومت قرار داشتند و پروژه های ساخت سد و کانال های آبیاری از آنجا نظارت میشد و همچنین مواد غذایی و محصولات کشاورزی پس از برداشت، از آنجا توزیع میشد. بیشتر لوحه های سومری اطلاعات اداری و حساب ها را ثبت کرده اند. در این معابد، فقط راهبه ها اجازه نوشتن داشتند.

سومریان اولیه سیستم روحانیت با نفوذ و قدرتمندی ایجاد کرده بودند کهخدایان بومی را در معابد پرستش میشدند، خدمت میکردند. بیشتر فعالیت های مذهبی و سیاسی گرایش به خدایانی داشت که رودخانه های دجله، فرات و بطور کلی طبیعت را در کنترل خود داشتند. سومریان اعتقاد داشتند که اگر مردم به خدایان احترام بگذارند، خدایان نیز آنها را به اندازه کافی از نور خورشید و همچنین آب بهره مند خواهند ساخت و بلایای طبیعی و مصیبت ها را دور خواهند کرد و اگر برخلاف میل خدایان بومی خود رفتار کنند، نتیجه ای جز خشکسالی، سیل، قحطی و حمله ملخ ها در پی نخواهد داشت.

مالیات ها و سیستم رفاهی در بین النهرین

بین النهرینی ها همچنین ابداع کننده سیستم بوروکراسی (دیوانسالاری) بودند. کشاورزان مالیت خود را بصورت ده یک میپرداختند. رسیدگی به امور دولتی توسط کاتبان و مأموران دولت انجام میشد و آنها حساب و کتاب مربوط به معاملات با کشاورزان و ده یک های آنان را ثبت میکردند. برخی از محققین، سومر را سرزمینی میدانند که دولت-شهر های آن از رفاه خوبی برخوردار بودند. سام رابرتز در نیویورک تایمز میگوید: کار کردن یک وظیفه بود اما امنیت اجتماعی حق مسلم افراد شمرده میشد. این رفاه و آسایش را به الهه نانسه (Nanshe) نسبت میدادند که بعنوان اولین ملکه رفاه و امنیت در سروده ها نامش جاودانه شد. الهه ای که بی پناهان و بینوایان را در پناه خود میگرفت. این الهه بین النهرینی بخاطر این شفقت و دلسوزی مورد احترام بسیاری از بزرگان بود. کلود هرمان و والتر جونز در دایره المعارف بریتانیکا مینویسند: دولت بخش معینی از محصولات، سهام و غیره را دریافت میکرد. فرستادگان شاه میتوانند هر مالی را از شخص دریافت کنند و به او رسید بدهند. هر شهری برای خودش عوارض شهرداری، گمرکی، کشتیرانی، راه سازی و آبرسانی داشت. مدتها بود که دیگر پادشاه مالک سرزمین بشمار نمیرفت. او نیز زمین و دارایی های شخصی خودش و خراجی که از مردم میگرفت را داشت. مقامات بلندپایه دولت هم از املاک و خانه های دولتی برخوردار بودند. (منبع: کلود هرمان، والتر جونز، قانون بابل، کد حمورابی، چاپ یازدهم دایره المعارف بریتانیکا، ۱۹۱۰-۱۹۱۱)

رهبران بین النهرین و حکومت دولت-شهرها

حاکمان دولت-شهرها ضمن اینکه می بایست در کنار هم قدرت و اتحاد در امپراتوری را حفظ میکردند، در مقابل بیوه زنان، یتیمان و فقرا نیز مسئولیت داشتند و اگر نمیتوانستند به محرومان رسیدگی کنند از طرف گروهی از بزرگان برکنار میشدند و شهروندان میتوانند در دادگاهی که در کاخ پادشاه برگزار میشد شکایت خود را در مقابل حضار به حضور شاه ببرند.

دولت-شهرهای اولیه بین النهرین توسط شورایی از بزرگان اداره میشدند که در رأس آن فردی که از تجربه تر بود بعنوان ریش سفید آنان را رهبری میکرد و در مواقع بحرانی تصمیمات لازم را میگرفت. وقتی زمان های بحرانی طولانی میشد و ادامه پیدا میکرد این رهبر تبدیل به پادشاهی میشد و مثل حاکمان مصر به جایگاه خدایی میرسید و چنین پنداشته میشد که از آسمان پایین آمده است.

در شهر های بین النهرین، هر ناحیه تحت نظارت یکی از این رهبران بود. حاکمانی که از قدرت نسبتا برابری برخوردار بودند همدیگر را "برادر" خطاب میکردند اما حاکمانی که قدرت بالاتری داشتند توسط حاکمان ضعیف تر، "پدر" خطاب میشدند.

برخی از زنان نیز به جایگاه قدرت می رسیدند. لوحه های خط میخی که به شاهزاده خانوم سومری از قرن بیست و یکم پیش از میلاد در شهر گارسانا اشاره میکنند، دانشمندان را بر آن داشته که در مورد نقش زنان در پادشاهی اور باستان نگرش خود را تازه کنند. لوس آنجلس تایمز مینویسد: اسناد اداری نشان میدهد که زنی بنام سیمات ایشتران (Simat-Ishtar) بعد از مرگ شوهرش، شهر را اداره میکرده و در دوره حکومت او زنان جایگاه و موقعیت بالایی را بدست آوردند. آنگونه که لوحه های گلی شهادت میدهند، آنها بر کار مردان نظارت میکردند، حقوقی برابر با همتایان مرد خود دریافت میکردند و در پروژه های ساخت و ساز هم کار میکردند. دیوید اوون (David Oven) محقق و سرپرست مطالعه این لوحه ها میگوید این اولین سند کشف شده از انجام یک پروژه ساخت و ساز توسط یک زن میباشد. از آنجا که دانشمندان دقیقاً نمیدانند این لوحه ها در چه مکانی یافت شده اند بنابراین مکان شهر باستانی گارسانا را نمیتوان برای بدست آوردن اطلاعات بیشتر حفاری نمود.

پادشاه، قدرت و قانون

اسنادی از دوران باستان به دست ما رسیده که انتقال زمین های زیادی در شمال بین النهرین به پادشاه کیش، مانیشتوسو را نشان میدهد. (۲۷۰۰ ق.م) در این اسناد صدها نام از کسانی که زمین ها از آنان گرفته شده و توضیحاتی در مورد زمین های آنان و شرایط فروش ثبت شده است. در اینجا شاه نیز دارای حقوقی برابر با هر شهروند دیگری دیده میشود و هیچ گونه برتری برای او قائل نشده اند و نه تنها غرامت کامل به هر صاحب زمین پرداخت میشد بلکه قبول میکرد همه کارگران و کسانی را که فروش زمین زندگی آنها را تحت تأثیر قرار میداد حمایت کند و برای آنان شغل پیدا کند. (موریس جاسترو، متن سخنرانی ده سال بعد از چاپ کتابش، جنبه های عقاید و باورهای مذهبی بابلی ها و آشوری ها، ۱۹۱۱)

اسناد بیشماری که از آن دوره به دست ما رسیده و جزئیات این معاملات را در خود ثبت نموده شواهد روشنی هستند که احترام به دارایی های خصوصی افراد را نشان میدهند. این کتیبه ها با نامهای خدایان طلسم شده اند و نفرین خدایان شامل حال کسی میشود که اطلاعات ثبت شده در آنها را دروغین بداند و یا تغییری در کلمات آنها و یا شرایطی که در آنها ذکر شده بوجود آورد. بر روی این کتیبه ها تصاویری که نماد خدایان بوده حکاکی شده تا از کسانی که حقوق و مزایای آنان در کتیبه ثبت شده محافظت شود. بابلی ها بخوبی نکوهش های پیامبران عبری را در مورد کسانی که مرز همسایه خود را نادیده میگرفتند، تکرار میکردند. حتی آن پادشاهان آشوری که به فتح و غارت مشهور بودند در سالنامه هایشان آمده که اموال قانونی افراد را به آنان باز می گردانند و و به حقوق و مزایای آنان و افراد تحت تکفل آنها احترام میگذاشتند. برای مثال سارگون آشوری (۷۰۵-۷۲۱ ق.م) در حالیکه با افتخار در فتوحات خود رژه میرود و قدرت خود را اعلام میکند بر این حقیقت تأکید میکند که مزایای مراکز بزرگ جنوب، سیپار، نیپور و بابل حفظ خواهد شد، ضعیفان در امان خواهند بود و مناطق آسیب دیده بازسازی خواهند شد. جانشین او سناخریب ادعا میکرد که نگهبان عدالت و دوستدار راستی است. اینها همان شاهانی هستند که با بیرحمی غیر قابل وصفی با دشمنان خود رفتار میکردند، زندانیان و زنان متخلف را شکنجه میکردند، مثله میکردند،

میسوزاندند و شهرها را غارت میکردند. قابل توجه تر از بقیه، نگرش پادشاهی مانند حمورابی است که خود را پادشاه راستی معرفی میکند. او برای حفاظت از ضعیفان و یتیمان و بیوه زنان، قدمهای بسیاری برداشت. در کتیبه معروف او که به کد حمورابی معروف است میگوید همه امیدش این است که تلاش کند تا برای مردمش پدر باشد. او همه را فرا میخواند تا دعاوی خود را به حضور دادگاه ببرند و به آنها اطمینان میدهد که عدالت در حق آنان اجرا خواهد شد. این اظهارات تقریباً مربوط به چهار هزار سال پیش است!

بر روی لوحه ای که مزایای تعلق گرفته به شهرهای سیپار، نیپور و بابل بر آن ثبت شده یک سری هشدارهایی دیده میشود که تصویر کلی به ما ارائه میدهد از قانونی که راهنمای حاکمان آن دوره بوده است:

«اگر پادشاه به قانون توجهی نکند، مردمش نابود میشوند و قدرتشان از بین میرود.

اگر به قانون سرزمینش توجه نکند، آ، خدای سرنوشت، او را داوری کرده و رها خواهد ساخت.

اگر به (Abkallu) توجه نکند، روزهای عمرش کوتاه میشود.

اگر به کهنات (روحانیت) توجه نکند، سرزمینش علیه او شورش خواهند کرد.

اگر به شریر توجه کند، سردرگم خواهد شد.

اگر به مشاوران آ توجه کند، خدایان بزرگ او را در تصمیمات درست یاری خواهند داد.

اگر به کسی از اهالی سیپار ظلم کند و از راه عدالت منحرف شود، شاماش، داور آسمان و زمین، قانون را در سرزمینش باطل میسازد و دیگر هیچ قاضی ای نمیتواند در سرزمینش عدالت را اجرا کند.

اگر مردم نیپور به دادخواهی نزد او بیایند و او به آنان ظلم کند، انلیل، خدای زمین، دشمنی را به سوی او خواهد فرستاد و لشکرش را سرنگون و او را خوار خواهد ساخت.

اگر باعث غارت بیت المال مردم بابل شود و آسایش مردم را از بین ببرد، مردوک، خدای آسمان و زمین، دشمن را به سوی او روانه سازد و اموال و دارایی هایش را نصیب دشمن گرداند.

اگر با ناعدالتب فردی از اهالی بابل، نیپور یا سیپار را روانه زندان گرداند، شهری که در آن این بی عدالتی رخ داده، متروکه خواهد شد و دشمن قدرتمندی به زاندانی که آن شخص در آن اسیر است حمله خواهد کرد.»

طبقات اجتماعی بالا

طبقه بالای جامعه بین النهرین باستان شامل پادشاهان و خانواده های آنان، کاهنان و راهبه ها، سران نظامی، کاتبان، تجار و بازرگانان ثروتمند بود. فراموش نکنید که تاریخ بین النهرین باستان تقریباً ۳۰۰۰ سال بطول انجامید و فرهنگ های زیادی را در خود جای داد، سومری ها، آکدی ها، آشوری ها و بابلی ها. ما میتوانیم این فرهنگ ها را در

قالب یک فرهنگ کلی مورد بررسی قرار دهیم که مربوط به فرهنگ های مشابهی است که در سرزمینی بنام بین النهرین زندگی میکردند.

طبقات اجتماعی در بین النهرین باستان بتدریج با توجه به نیازهای زیست محیطی توسعه پیدا کرد. در بین النهرین جنوبی زمین های حاصلخیزی وجود داشت اما رودخانه های دجله و فرات مرتب در حال طغیان بودند و محصولات کشاورزی را از بین میبردند. برخی از ساکنان بین النهرین به این فکر افتادند که این ذخایر آبی را به گونه ای کنترل کنند تا محصولات کشاورزی را از خطر ویرانی حفظ نمایند بنابراین شروع به حفر کانال و ایجاد سد نمودند تا هم جریان آب را کنترل کنند و هم بتوانند در فصول گرم و خشک زمین ها را آبیاری نمایند. آنها با دانش خاص و توانایی که در سازماندهی پروژه های کنترل آب بکار بردند، قدرت و اعتبار زیادی کسب نمودند. جوامع پیچیده معمولاً جوامع نابرابری بودند که برخی افراد نسبت به سایرین از مزایای بیشتری برخوردار میشدند و این مزایای بیشتر، مسئولیت های بیشتری نیز برای آنان به همراه داشت. پادشاه که در رأس جامعه بین النهرینی قرار داشت، تصویری الهی داشت و خدای آن شهر را نمایندگی میکرد. قانون وضع میکرد، ارتش را رهبری میکرد و مقدمات زیرساخت های شهری را فراهم می نمود و همچنین برای ساخت و نگهداری دیوارهای شهر، امکانات دفاعی و خدمات عمومی مثل ساختن معابد از مردم مالیات میگرفت. کاهنان و راهبه ها هم که نقش واسطه بین خدایان و مردم را بازی میکردند از جایگاه مهمی برخوردار بودند. در همه فرهنگ های بین النهرین، کاهنان و راهبه ها مراسم مذهبی را اجرا میکردند، قربانی میکردند، تقویم را نگه میداشتند و دعاها و سرود های مذهبی را تفسیر میکردند. کاهنان و راهبه ها باسواد بودند. اولین پزشکان و دندانپزشکان راهبه هایی بودند که از بیماران پرستاری میکردند. این روحانیون با وجود اینکه در زمره اشراف، سران نظامی، کاتبان و بازرگانانی که شرکت های تجاری داشتند به حساب نمی آمدند اما در طبقه بالای جامعه جای داشتند. آنان نسبت به اشراف از مزایای پایین تری برخوردار بودند اما از مردم عادی امتیازات بالاتری داشتند. شمال و جنوب بین النهرین از نظر منابع معدنی فقیر بودند بنابراین بازرگانان و شبکه های تجاری آنان برای بدست آوردن کالاهای اساسی اهمیت زیادی داشتند. بین شهرهای بین النهرین جنگ و درگیری امری رایج بود. شهرها با هم در رقابت بودند و نزاع های سیاسی بخشی از زندگی مردم بود. داشتن ارتش نظامی قوی به منظور دفاع از شهر و یا حمله به شهرهای همسایه امری ضروری بود. سران نظامی رده بالا بخاطر پیروزی در این نبردها مورد تقدیر قرار میگرفتند.

کاتبان بخاطر دانشی که داشتند مورد احترام بودند. یادگیری و نوشتن خط میخی دوازده سال طول میکشید. کاتبان برای معابد، پادشاهان، خانواده های اشراف و بازرگانانی که احتیاج به ثبت معاملات خود داشتند، کار میکردند. آنها همچنین مدارس را راه اندازی میکردند و خواندن و نوشتن را به فرزندان خانواده های اشراف آموزش میدادند.

مردم عادی

بیشتر مردم عادی جامعه بین النهرین کشاورزانی بودند که بیرون از شهر زندگی میکردند اما در شهر ها هم مردمانی با وظایف مختلف مشغول به کار و زندگی بودند. در واقع در یک شهر همه طبقات جامعه بین النهرین دیده میشدند. افراد خانواده سلطنتی و اشراف، روحانیون، افراد آزاد و بردگان و کسانی که در ارتباط با معابد بودند مثل صنعتگران

و کارکنان معابد. برخی از افراد عادی که چه در شهر و چه در بیرون شهر زندگی میکردند زمینهای کوچکی نیز داشتند که یا متعلق به خودشان بود و یا متعلق به خانواده و طایفه شان بود. قبایل بزرگ معمولاً زمینی بیرون شهر داشتند که همه افراد خانواده و یا قبیله در آن کار میکردند. برخی از ساکنان شهر هم تکه زمینی بعنوان باغ برای خود داشتند.

طبقه متوسط علاوه بر کشاورزی، شامل چرخ چی، آجرپز، سفالگر، فرش باف، ماهیگیر، سرباز، تاجر، نانوا، سنگ تراش، بافنده و چرم ساز نیز میشد. اشراف زادگان بیشتر درگیر کارهای اداری و دیوانی بودند و کمتر به کارهایی از این قبیل میپرداختند.

برای مردم طبقه متوسط، روز کاری زود شروع میشد و زنان با طلوع خورشید برای آماده کردن صبحانه بیدار میشدند. صبحانه آنان ساده اما مغذی بود: سوپ جو یا گندم که با پیاز یا سیر طعم دار میشد، نان و آبجو. آبجو نوشیدنی مورد علاقه مردم بین النهرین بود حتی در میان ثروتمندانی که توان خرید شراب داشتند. مردم طبقه متوسط خانه هایی داشتند که از آجرهای گلی ساخته میشد و دارای حیاطی بود که اتاق ها دور تا دور آن قرار داشتند. دیوار های خانه از هر دو طرف با گچ سفید پوشیده میشد تا گرما را دفع کند، سقف خانه ها مسطح بود و اعضای خانواده در هوای گرم روی بام خانه میخوابیدند.

بخاطر آب و هوای گرم، لباس ها ساده بود. مرد ها لباس بلند و گشادی میپوشیدند مانند دامن که تا قوزک پا میرسید. برخی ریش بلند داشتند و برخی ریش خود را میتراشیدند. زنان نیز لباس بلندی میپوشیدند و شانه راست خود را برهنه میگذاشتند. آنها موهای خود را میبافتند و به زیبایی مدل میدادند و با روبان و گل سر موهای خود را می آراستند. فقیران فقط از پشم برای لباس استفاده میکردند در حالیکه ثروتمندان از پارچه هایی که در هوای گرم سبک تر بود استفاده میکردند. وقتی روز به پایان میرسید خانواده برای صرف شام دور هم جمع میشدند. برای شام معمولاً گوشت و خورشتی از سبزی، گوشت کباب شده گوسفند، اردک و یا خوک همراه سبزیجات، میوه، نان و آبجو میل میکردند. در مناسبت های خاص کیک هم میپختند و از عسل برای شیرین کردن آن استفاده میکردند و خانواده بعد از شام از آواز خواندن و قصه و داستان لذت میبردند. افراد عادی که قدرت سیاسی یا مذهبی نداشتند از طریق ازدواج و یا سرمایه گذاری میتوانستند به طبقه بالاتر راه یابند. برخی هم در کارشان آن اندازه موفق میشدند که میتوانستند زمینی بخرند و آن را اجاره بدهند. آنها درصدی از محصول خود را به عنوان مالیات میدادند. در مواقع بروز جنگ ممکن بود به ارتش فرا خوانده شوند و یا در پروژه های ساخت معابد و کاخ ها مشغول به کار شوند. با این اوصاف زندگی نسبتاً راحتی داشتند.

نام بین النهرین با معانی مختلفی توسط نویسندگان باستانی مورد استفاده قرار گرفته است. اگر به معنی عراق امروزی در نظر گرفته شود شامل دو منطقه مجزا میشود: یک دشت آبرفتی مسطح در جنوب و بلندی های شمال که دو رودخانه دجله و فرات از آنجا سرچشمه میگیرند. این تقسیم بندی جغرافیایی از همان آغاز در تاریخ توسعه فرهنگی این سرزمین تأثیرگذار بوده است.

اولین آثار از مناطق مسکونی در ناحیه شمال بین النهرین پیدا شده که مربوط به اواسط هزاره ششم پیش از میلاد میباشد. دوره های که باستان شناسان از آن بعنوان دوره انتقال از نئولیتیک به کالکولیتیک میشناسند. این دوره همچنین مقارن با دوره ایست که نقوش رنگی روی ظروف سفالی رواج یافت. طرح های مورد استفاده برای این منظور، قابل اعتماد ترین معیارهایی هستند که با آنها میتوان گروههای قومی و مهاجر را از یکدیگر تشخیص داد. بعضی از این گروهها بر اساس منطقه ای که اولین بار آثاری از آنان در آن یافت شده نامگذاری شده اند و برخی از نامها منسوب به دوره های ماقبل تاریخ است که در طی آن دوره ها قوم غالب بودند. حسونا، حسونا-سامرا و حلف در شمال عراق نامهایی هستند که به سه دوره اول داده شده اند که طی آن، سکونت گاه های اولیه توسط مردمی که روابطی با سوریه و آناتولی داشتند اشغال شده بود.

طرح روی ظروف سفالی گاهی بیش از یک نقاشی بود و معمولاً شامل تصاویری پر از اشکال هندسی بود که با شکل ظرف نیز سازگاری داشت. فقط در حسونا-سامرا کوزه گران وسایلی درست میکردند که نقوشی از حیوانات، پرندگان و یا حتی انسان داشت که از نظر سبک و زیبایی خیره کننده است. به نظر میرسد برخی از این نقوش از سرامیک های ایرانی آن دوره اقتباس شده است. یکی دیگر از هنر های قابل توجه این دوره ساخت مجسمه انسان از جنس سنگ یا گل رس بوده که مرتبط با فرقه های مذهبی اولیه بوده است. خصوصیات این فرقه ها بسیار متفاوت بوده و معانی سمبل ها و نمادهای آنان هنوز ناشناخته است. میتوان آنها را اجداد هنر بین النهرینی ها در دوره های تاریخی دانست، پیشینیانی که باید در جنوب عراق آنها را جستجو نمود.

در دلتای رودخانه های دجله و فرات، در اولین دوره های پیش از تاریخ که مرتبط با دوره اول عبید می باشد و همزمان در سوسیانا در شمال مرزهای ایران، ساکنین اولیه در هر دوی این مناطق احتمالاً یک ریشه داشتند. بر اساس گفته محققان، سومری ها از جمله این ساکنین اولیه بودند اما این موضوع حداقل تا اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد تأیید نشده است. در ۳۱۰۰ ق.م با اختراع خط توسط سومریان، حضور آنان در این منطقه ثابت میشود و از آن به بعد، میتوان روند تکاملی هنر سومری را بهتر مطالعه کرد.

سه عامل را میتوان در شکل گیری هنر و معماری بین النهرین موثر دانست. یکی ساختار سیاسی اجتماعی دولت-شهرهای سومری و امپراتوری هایی که جانشین آنها شدند. از زمان های بسیار قدیم این شهرها مجهز به سازه های

مهمی بودند از جمله سیستم های آبیاری که به خوبی سازماندهی و نگهداری میشدند، ارتش هایی که بخوبی تجهیز شده بودند و از هماهنگی بالایی برخوردار بودند، پیروزی ها و معاهداتی که بسته میشد. از آنجا که جنگ های داخلی و فتوحات خارجی از اولین دغدغه های شاهان بین النهرین بود، این قابل درک است که در اغلب دوره ها بخشی از کارهای هنری برای تجلیل از قدرت نظامی اختصاص داده میشد.

عامل دوم و مهمتر نقشی بود که مذهب در امور ایالتی بازی میکرد. بطور خاص در دوره سومری ها مسئولیت معابد با سازمان های اقتصادی و شهرداری بود، معابدی که روحانیون در آن از اختیاراتی برابر با شورای بزرگان و حتی حاکم شهر برخوردار بودند. بر این اساس در آغاز پیدایش سومر و بابل اولین توجه معماری معطوف به بناهای مذهبی و مجسمه های آنان بود. تزیینات کاخ ها از ابداعات دوره آشوری ها بود.

عامل سومی که به شکل گیری هنر بین النهرین کمک نمود، تأثیر شرایط محیطی بود. محدودیتی که شرایط اقلیمی جنوب عراق برای معماران و هنرمندان ایجاد میکرد امر روشنی است. وقتی سنگ و چوب در دشت های آبرفتی این سرزمین در دسترس نبود، مجسمه ساز بخاطر کمبود مصالح وارداتی مجبور میشد از گل پخته بعنوان جایگزین استفاده کند. معماری هم به شدت تحت تأثیر قرار میگرفت، اول بخاطر محدود بودن مصالح ساختمانی برای آجرکاری و دوم بخاطر مشکلی که در ساخت بام مسطح وجود داشت که این مشکل تا حدودی در هزاره دوم پیش از میلاد با ایجاد طاق خشتی برطرف شد. برای آشوریان هم در شمال بین النهرین که سنگ های با کیفیت فروان بود، هزینه استخراج از معدن و حمل و نقل آنقدر بالا بود که فقط برای مجسمه سازی و نقوش برجسته مورد استفاده قرار میگرفت. ارتباط بین هنر و محیط بین النهرین را بخوبی میتوان مشاهده کرد. در مناطقی که دمای هوا در تابستان بالاست و کشاورزی تحت تأثیر چگونگی توزیع آب رودخانه ها و همچنین در خطر سیلاب های ناشی از طغیان های فصلی رودخانه ها است و دامداران و دامپروران در معرض حمله حیوانات وحشی و نیش حشرات سمی قرار دارند، ساکنان این گونه مناطق پیوسته در جدال با عوامل مخرب محیطی هستند. همه این مقابله کردن و سرخوردگی مداوم به مرور زمان در باورهای مذهبی آنان بازتاب پیدا میکند، بخصوص در مورد سومری هایی که موفقیت و رفاه آنان بر اساس حاصلخیز بودن خاک سرزمینشان و راضی نگاه داشتن خدایانشان بود.

برخی باورهای آنان ریشه در اساطیر آنها داشته که براحتی در قالب تصاویری در هنر سومریان تجلی پیدا کرده است. به هر حال این سنت های اسطوره ای و باورهای مذهبی برای قرن ها پابرجا ماند و پس از انقراض سومریان، آنها پایه اصلی هنر بین النهرین را بنا نهادند

تمدن های باستانی از جمله بین النهرین و مصر نقش بزرگی در شکل گیری دنیای امروز داشتند که از آن جمله میتوان به جنبه های مختلف هنر، معماری، فلسفه و ادبیات اشاره نمود. البته این اقدامات آنها مسقیما تحت تأثیر شرایط جغرافیایی و ساختارهای سیاسی آن تمدن ها قرار داشت. شرایط اقلیمی و حجم زیاد آب رودخانه ها به نوبه خود بر روی دسترسی به مصالح مورد نیاز کارهای هنری تأثیر گذار بود. سلسله مراتب در ساختارهای سیاسی بین النهرین و مصر، در اغلب آثار هنری آنان دیده میشود و همچنین آرمان های فکری مراتب بالای قدرت نیز در رابطه با موضوعاتی مثل مرگ، خاکسپاری و زندگی پس از مرگ در عقاید فرهنگی مردم باتاب یافت.